

جناب جلالت آقا پسر گیتس بری وزیر مختار و ...
 دولت بید انگلیس که با مور با قاصد و توقف در باره ...
 علیه ایران بود بعد از آنکه وارد بندر ابوشهر کرد و دید ...
 اخراج و احترام از جانب کارگذاران دیوانی بندر ابوشهر ...
 بر حسب حکم و اشاره اولیای دولت علیه نسبت بجای ...
 معزی الیه بعمل آمد نسبت بغداد عازم در باره ایون شده ...
 ترابست طالب عماد الدوله اما تملی سیر از حکمران کرمان ...
 از جانب خود عالیجا مصطفی قلی خان دیوان منکی و عالیجا ...
 میرزا صادق طبیب و ترجم زبان انگلیس را بهماننداری ...
 معزی الیه مأمور در از لب بندر نمود و با کمال احترام ...
 ایشان را در او بکرمانشاه فرستاد و در کرمانشاه ...
 مصطفی خان سر تپ که از دور باره ایون بر رسم مهانداری ...
 دولتی از برای پذیرائی جناب وزیر مختار مأمور شده بود ...
 ایشان را پذیرفت در منازل عرض راه از کرمانشاه ...
 الی دار الحکله و مراقبت تمام از جانب مهانداری دولتی و ...
 و کارگذاران امور دیوانی در مدعاات احترام ایشان بعمل ...
 دره زیست و ششم شهر حبیب المرجب در قریه بخشی آباد چاد ...
 دولتی زوده شد و امیر الامراء العظام مقرب استخافان ...
 میرزا محمد خان کشیکچی باشی و عالیجا نصر الله خان سر تپ ...
 از جانب سستی بجوانب ایون و عالیجا خانبا خان ...
 از طرف جناب اشرف امجد رفیع صدر العظم و عالیجا میرزا ...
 خفایان نایب و و تیم وزارت امور خارجه از طرف جناب ...
 وزیر امور خارجه و عالیجا محمود خان کلانتر که خدا یان ...
 و استقبال بسیار از غلام و غیر غلام با استقبال جناب ...

۱۳۸۸

رفتند و با احترام تمام وارد سفارتخانه خودشان شدند ...
 و انظر احترامی که لازم پذیرائی سفر بود موافق شرفیات بطور ...
 اکمل در حق جناب معزی الیه به جهت بعمل آمده ...
 این اوقات تمام چای پارخانها با اینکه اول سال است ...
 تبدیل در رضا بط چای پارخان شده است بسیار خوب ...
 و خاطر اولیای دولت قاهره از حسن خدمتگذاری عالیجا ...
 چای پارچی باشی و به باشترین چای پارخانه زیاده خوشتر است ...
 چنانکه چای پارخان کرمانشاهان سه روزه در کرمانشاه ...
 در باره ایون شده و حاصل اخبار چنانکه خوشتر است با اینکه از چای پارچی ...
 داشت وقت روزه با اسب چای پارچی از خراسان به دار الحکله آمده ...
 علی بن اولیای دولت قاهره در نزد نظام چای پارخانه وزود و خوب ...
 رساندن نوشجات مردم قحطی که بنموده اند بسیار بدکل مردم از ...
 و غیره نوشجات خود را به عالیجا اسمعیل خان چای پارچی باشی یا میرزا ...
 باشی چای پارخانه بنده و پانزده روزه جواب مطالبه نمایند که بدو ...

عجب خواهد رسید
امور استثنوی

تو پنجمان و افواج قاهره همه روزه در میدان مشق با جمیع جناب ...
 مشغول مشق عیبا شدند در روز شنبه حسب الامر اقدس چای پارچی ...
 افواج قاهره در بالای میدان مشق و در افواج حاضر کرده ...
 مشق و تیر اندازی نشانه شدند بهر تیر اندازی سابق ...
 نشانه روزه و یک ساعت بنزد بامده مخص شدند چنانچه ...
 مسلمان و متعلمین در سینه دار الفتون همه روزه با کمال ...
 و اتمام مشغول تعلیم و تعلم قواعد حربیه و غیره میباشند ...
 و نهایت وقت در کارهای متعلقه بنجود دارند

سایر ولایات

خراسان مملکت خوارزم که شهر سابق آن کرکاج بود که مشهور است باورکنج و شهر مشهور حال آنجا خیر و قیاس است و خراسان از طرف جنوب غربی متصل است با سمرقند و از سمت جنوب شرقی نیز و آن سال دار و از آنجا که از قدم الامام از رود جیحون با این طرف همیشه داخل خاک و ت ایران بوده است آنجا نیز در تحت اداره اختیار او امر و نواهی سلاطین ایران بود و حکام آنجا هم اگر چه از جماعت او زبکیه بودند لیکن متابعت و انقیاد سلاطین ایران را نیز می نمودند و اگر کوفتی یکی از آنها با ستمها بعد مسافت و صعوبت راه خیال خود سری کردند پاداش و کفر یافتند چنانکه در عهد سلطنت امیر صفوی جلال خان پسر محمد خان او زبک که حاکم خوارزم بود لای خود میر برافراشت و دوست مرصعی قلیخان حاکم مشهد مقدس بقتل رسید و حاکم دیگر در آنجا تعیین کردند و همچنین قمشکه عبداللہ خان سیستانی بخوارزم استیلا یافت حاجی محمد خان حاکم آنجا آمد بشاه عباس صفوی پناه آورد و در سن یکصد و شش شاه عباس سخراسان رفته غاصبین آن مملکت را بقتل رساند و حاجی محمد خان و عریض پسرش را بجا حکومت آنجا برکاشت و همچنین همگی سر بر رقبه انقیاد و اطاعت و خدمت سلاطین خت کین ایران داشتند تا بعد از انقضای ایام سلطنت صفویه و فرات آن زمان که انقلاب بسیار حاصل شد قدری خیال خود را می کردند و در زمان سلطنت نادر شاه که همت به قبضه آنها بکاشت و حکمرانی آن عصر و او ان با اولاد فانی اینان و هم این اویناق بود نادر شاه در سنه هزار و یکصد و هفتاد و هفت از طرف نوده خان خوارزمی را کشته و محمد طاهر خان پسر او زبک را حاکم کرد بعد از نادر شاه در سنه یک هزار و دو صد و سی

سردار ایله ترابن عوض اویناق قبا این محمد این اویناق حاکم آنجا شد و عیث افتخار آنجا بخدمت و برگزیدگی سلاطین صفوی بود و کمال اطاعت و خدمت به دولت علیه ایران می کردند و بهین واسطه چند سال بود که او ایله ترابن در حکومت آنجا متمکن بودند چنانکه بعد از آن ایله ترابن محمد حسین خان بود بعد پسرش اللہ علی خان بود بعد از آن که در عهد خاقان غلام اشیمان قصبی شاه مبرور بود و کمال خدمتگداری و اطاعت داشت و همیشه در ارسال سبیل و عرض بعضی و انقا و پیشکش چچ فرو نگذاشت بعد از رحیم قلیخان که حکومت مبرور محمد این خان رسید در زمان دولت شاهنشاهی مبرور اولیایکی ایند دولت بواسطه بعد مسافت و کم آبی و صعوبت راه اعتنائ باذکرده او هم فرصت غنیمت شده از خدمت و دولت کناره گرفته سهل است که پس از چندی بخمال تصرف مرقه که رعیت مخصوص این دولت ابد است افتاده اسباب تسخیر مرقه را فرستاد هر دو سال یکبار مبرومی آمد و از آنجا با اسم زکوة چیزی می گرفت و معاودت میکرد و اولیای این دولت و حکام خراسان هم اقتدا نمودند و اسم این بی اعتنائی جبری شد تا درین عهد که الی الابد پاینده با و نیز در سنه هزار و دویست و هشت و نود که حکومت و ایالت مملکت خراسان بعد از نواب حسام السلطنه محول بود محمد امین خان از خیر و برای اخذ زکوة و مطالبه باج مرقه لشکر کشید نواب معزی الیه بر حسب امر سرکار عالی حضرت قدر قدرت شاهنشاهی صان الله ایام شوکت عن التناهی چند فوج از افواج خوارزم با توپخانه نامور مرقه نموده بجاییت مرقه شکست فاحش باورد و بی نیل مقصود محذول و مکتوب محاورت نمود و مدتی سم قیون در مرقه بود اگر چه اولیای دولت خجال ناموریت قیون برای

۱۳۸۹

استقام امور آنجده داشت لیکن بجهت غلبای شیخ
 که در مرده حاصل شد و ذخیره و آذوقه بجای نایاب بود
 اولیای دولت بمقتضای وقت قشون را از مرده معاودت
 دادند و بدین واسطه تنبیه محمد امین خان بعهده تعویب و ترا
 ماند اما در انتظار وقت و انتظار فرصت بودند که درین
 محله امین خان را مامور خود سری در داغ جا کرده اطاعت
 و خدمت را بکردن کشتی و هرزه درانی مبدل ساختند
 بیت بزار قشون او را کبکی و حیوونی را بر سر خود گرد آورده
 بمضمون اینکه صید را چون اجل آید پی صیاد رود و در
 سینه بار سنبل که فرمانفرمانی خراسان بعهده کفایت
 نواب مستطاب شاهزاده فتح فریدون میرزا فرمانفرما مقوض
 بود و برآمده از آنجایی آنکه تامل کند و ببیند که از ادای جواب
 جت سابقه و اینقدر جبارتی که تازه کرده میتواند بر
 یا کفر از باقی وجه خواهد دید بی تماشای قشون بر سر سرخس
 که رعیت مخصوص دایم ترخان این دولت است و نشان
 انالی سرخس مراتب را بنواب فرمانفرما معروض داشته
 است و دولتستانه هستند نواب معزی البه نیز بموجب
 اذن و اجازه اولیای دولت قاهره در اول مقدمه
 عالیجاه حسن خان سبزواری را با سید سوار خراسان
 روانه نمودند و متعاقب آن عالیجاه محمد حسن خان سرتیب
 ذوق خراسانی را بآباد و فتح خراسانی و یکفوج کردوسی و چهار غزاد
 توپ و هزار سوار فرستادند که پانصد نفر از آن سواران
 با یغیاری حسن خان سبزواری برسانند و پانصد نفر دیگر را
 خود داشته بمراد پیاده قظام و توپخانه سیرد عالیجاه محمد
 سرتیب نیز از خراسان پیش نواب شاهزاده قیامت برآمده

۱۳۹۰

پانصد سوار را متعاقب روان ساخت و خود نیز متعاقب آنها
 باقی در بند رفت نواب شاهزاده هم در روز نهم هم شهر
 جهادی الثانی با افواج و سواره عراقی و خراسانی و در عاده
 یوب حرکت کرده بجانب سرخس خنک غنیمت یافت و در
 حنجان سبزواری بمسخر قشون حیوونی مستحضر شده
 بقدر دو هزار سوار از یک از سرخس گذشته سواره حنجان
 جلو گیری کردند این سواره هم باک و هم از قلت خود کوشش
 صد و کرده باقبال بیزوال هایون اغلبه شاهنشاهی نگه کرده
 پای ثبات در میدان جلالت افشرد و خصم را شکست فاش
 داده از پیش برداشته بحکم کم من فینیه قلبیه غلبت غلبت
 کبیره ریاده از جیت نواز یک را بی سر کرده پی سپر
 دار القمار ساختند و خود صحیحاً سالمانی اسب و کزندی
 وارد سرخس شد و روز دیگر آن پانصد سوار دیگر متعاقب
 آمد بسرخس وارد شدند خبر رسیدن سواره دولتی بسرخس
 و آمدن محمد حسن خان سرتیب و افواج و توپخانه باقی در بند
 حنجان حیوونی رسیده پیش دستی بجای حاش آمده قوراء
 جمعیت کثیر با ادا قشون سابق خود فرستاده حکم بمنجه سرخس
 داد خود نیز متعاقب آنها با قشونی بجهت و مرقب چهل هزار نفر
 که از طوایف و ادیان کاتب جمشیدی دقربالی و تهمینی و میهنه
 شیرقان و سالور و بر طوایف ترا که فراسم آورده بود
 حرکت کرده بجانب سرخس روانه شدند چند روز قبل از رسیدن
 خود پیش بر سر سرخس که سواره و پیاده ادب و سرخس
 می آمدند همه روزه سواره خراسانی و سرخسی بیرون آمده
 محاربات دلبهرازمیکردند و درین چند روزه چند عادی
 و صف شکن و بعد پانصد قفسه شغال و اسب و شتر بسیار

و سر فرزند از شمار از آنها میگرفتند در روز و در خان خجوق
 بدو سرخس نواب هزاره فرمانفرما با قشون ظفرنون باقی در بند
 وارد شدند و محمد حسن خان سرتیب با افواج و توپخانه شش فرسخی
 سرخس رسیدند لیکن نواب والا بکر و زبیر از ورود باقی دیدند
 که خبر عزیمت خان خجوق و جمعیت او را شنیدند در شب دو
 سلاح جهادی الثانی نواب محمد یقلی میرزا و مقر لوبان خان ساکنان
 ایلیجانی و شاهزاده محمد یوسف افغان و امیر خان سرتیب
 و مرتضی پیکو و محمد حسین خان هزاره را با دو هزار سوار صوبه
 از آقده رسیدند که تا سرخس پا نژده فرسخ خراسانی است و آن
 ساخته خان خجوق نیز همان روز دوشنبه با آن جمعیت که
 فرزند از چهل هزار بود بدو سرخس آمده اقدام بجاری نمود
 که شاید قبل از رسیدن قشون کلبه و توپخانه دولتی کاری از
 پیش برود ولی غافل از آنکه هر که بیهوده کردن افراز دوشستن
 ز کردن اندازد قشون خود را حکم بتخیر سرخس داد و خود در
 تلی که مشهور است بقالو تپه در سمت شرقی سرخس واقع است
 و دو هزار قدم تا سرخس مسافت دارد چادری برافروخته
 با خواص و اعوان و اصحاب خود قرار گرفت از قلعه سرخس
 در اول و حلقه پیش تا رستخیزان سبزواری با سواران حرم
 از طرف دروازه جنوبی که غلبه قشون خوارزمی بود بیرون
 آمده سرخس هم غیرت و عصبیت کرده بیانات اجتماع آنها
 و کورا نصف از دروازه جنوبی سرخس و نیمی از دروازه شمالی
 بیرون آمده دست بمقابله و مقابله کشوند و قشون خجوقی را
 منهدم ساخته قریب سه هزار سربا اسب و شتر بسیار و
 شغال و تنگ بشمار و یک عا آده توپ میجده پونصد بزرگ و
 شازده عا آده صفت شکن و دو بیست و پنج از آنها گرفته از جا
 نین

قشون خجوقی را قریب هزارم و الفد ام ساخته از تپه که خان
 خجوق در آن قرار داشت گذرانیدند و حمله بای مردان کردند
 خان خجوق چون دست سرخس را از خون بشابه رود چون
 دیده خود را در غرقاب قماش بد نمود بمضمون کبری کلام
 سرب بجای باز پهلوانی و سرزیر پای اسب خواست که شاید
 از ورطه هلاکت جانی سلامت بدر برود چون براق اسبش را
 مکتل سچو اهر کرده بود و بیکه بقاعده سلاطین کوی طلا نیز در وقت
 استوار داشت بغداد من حرج عن ذیه قدمه بدر اساس جلالت
 اسباب هلاکتش شده شجاعان خراسانی و سرخی با
 شناخته بقدر دولت سوار از دلیران و شجاعان خراسانی
 و سرخی اسب بر روی تپه ناخنده در شکامیکه خان خجوق تانده
 بر رکیب فرار گرفته بود و خود را با و رساندند اصحاب و اعوان
 که نژاد بودند هر یک اسب حاضر استند و سوار بودند و فرار
 نمودند و آنچه دشمنان با سب نرسید طر شمشیر آیدار شده
 تا اینکه خود او را با سی و دو نفر از بنی اعظام و محارم و خواص
 که اسامی آنها از قرار تفصیل ذیل است بقتل رسانده خود را

خان خجوق بنی اعظام که مشهور قاضی خوارزم
 بنوره اند
 عبدالمحرم

دار و غده محرم خدا مار که کجی از دولت یار
 صاحب جنحصان سرتیب بود
 بیگجان دیوان

سردار بیگجان نیاز علی بیگ با
 السلطان یوزباشی حق نظر بیگ با

دولت نیاز یوزباشی پسر بیگ با
 پدشاه حاکم بود ستغال خجوق
 بیگجان حاکم

سلطان نیاز یوزباشی حاکم خوارزم
 قزاق بیگ با
 از شاه سیر خراب است

صحت نیاز خان سپهراش خان که از روسای شهنشاه بود که در
 روز سیزدهم راد بر این دیگر بریده خیمه سنان ساخته و از سایر
 صاحبان شهنشاهان آنچه مشخص شده در دست و مختار و فرگشته گشته و
 میر احمد خان حبشیدی هم زخم کاری برداشته در روز چهارشنبه و هم
 شهر حبیب که روز عید بود در فیر و رسال تا یون قال و عثمان
 بود و روسی نیز با هم را بار در خدمت نواب و الافراغ فرما آوردند
 و آن دو در اسوار که نواب معزی الیه با یلغار فرستاده بودند
 در وقت غروب همان روز و شبیه حبشی رسیدند که خان خرق
 مقبول و قه نشن منگوب محمول شده بود و نتیجه جنگی وقت جنگی
 را کلب و در کوب شب را آرام گرفته و صبح معاقب قشون شسته
 خیر و شفا فزود نوابش بر زده هم سحر را از اینجا بنایجا
 رضا قلیخان نایب شمشیر کفاسی باشی بجا باری روانه در باب
 تا یون نوره شب سیزدهم شهر حبیب از حبیب که شب عید بود
 است و جناب امیر نومان اسد الله الغالب علی ابن ابی طالب
 بود جبر قتل خان خیر و رسید در شب پانزدهم عالیجا و صلا
 با سرباوار و کرده در روز شنبه نوزدهم در سلام عام بعرض
 خاکپای تا یون رسانند و از آنجا که از بزرگ زادگان اینها
 بودند و آباد اسلاف آنها بدین جنت کین این دولت جای
 خدمت کرده و منتب ملت خیف احمدی و شرع شریف محمدی
 صلی الله علیه و آله بودند احضار سزای آنها را بحضور تا یون و قوت
 داشته امر و مقرر فرمودند که در کمال احترام تحویل و تکفین نمودند
 در جای مناسب قون سازند

درین سال وقف نامه بیرون آمده بود که ده روز بعد با نده
 فرستای استند عقده را با علمهای حضرت رضویه و نقار
 و حبیب خدم و غیره که طرق برده و خدمت با در اینجا ضیافت نمودند
 فرستار در اینجا افتاده از کرد و چهار تا که نموده بروند
 بیا به زند مقرب انجان و وزیر نظام هم اسبابی از فرار همان
 معمول و شسته و تمامی خدام را شام و نهار داده اند و فرستار
 تکانه با علم و تقار و احترام تمام بر وجه عقده آورده اند

استراخاد

از فرار یک در روز نامد این و غایت نوشته اند در ماه حبیب
 شدیدی در اینجا آمده است بطوریکه از کولگان تا فیدیک که عابر
 و متر و دین عبور میکرد و اند برف تا زانوی آمده است متر
 محید و اینجا بیکدیگر استراخاد در آن اوقات در امیران
 امور آن صفحیات ششول بوده است سربازها خیز با ستر آباد
 بوده اند و عالیجا سیر ز احمدی لشکر نویس که ماه سیران کوک ستر آباد
 ششول دیدن آنها بود دست در دو و از جسم ماه حبیب در وقت
 نماز صبح زلزله در اینجا شده بود ولی از فرار یک نوشته بودند ازین

نرسیده است

اعلانات

اسبانی فروخته میشود بقاعده هراج و خایه سترید نزدیک سفار سخا
 پسته انگلیس از جمله فروش و تحت و یک حمام فرنگی و ظروف و چینه
 چاورد و تصاویر و قطعات فرنگی از چند قسم و ده قبضه تفنگ
 هر کس خریدار باشد در روز و شنبه اینماه وقت ظهر تا
 خریداری نماید

۱۳۹۲

روزنامه و قایم انفاقیه تاریخ پوچشمه شعبان المعظم مطابق سال لوشان میل سنه ۱۲۷۱

نیزه بیت و بیت یک

قیمت روزنامه

یک نسخه ده شایر کتال

چونان و چهار برار



منطبه دار اختلاف طهران

قیمت اعلانات

یک خط اول چهار سطر یکبار در سال

بیشتر با هر سطر یک خط

اخبار و اخبار کمال محروم پادشاهی

دار اختلاف طهران

از روز چهارشنبه بیت و سیم ماه حجب که از فضل
جناب اقدس الهی باران آمده بود و در موقت گذشته
شد تا این اوقات اگر چه هوا گاهی ابر و بعضی اوقات
کجایش ترش می داشت ولی بطوریکه مطلوب فصل و
موسم است بارندگی نمی شد تا عصر روز جمعه که فردا
آن روز اعلیحضرت اقدس هالیون شاهنشاهی غیر
میدان اسب دوانی داشتند از مویدات اقبال نیز
هالیون باران بسیار خوب تا ساعت از شب گذشته
آمد که زمین سیراب و آب در کوچه ها از جویها و بخرها جاری
شد و شب هم با زحمت و بارندگی کرد و باقتضای
فصل بسیار مطلوب بود صاحبان املاک و زراعت و عموم
امالی ولایت امیدواری کامل حاصل کرده تقدیم شکر
نمودند

و پیاده نوکریاب و تاشانی بعضی سالها کرده خاک زیاده
احداث می شد درین روز چنانچه نوشته شد در شب
قبل باران خوب آمده بود و راه عبور موکب فیروز کوه را
از کرد و غبار شده و زمین تر و خرم بود بسیار خوشتر از سالها
دیگر گذشت و بقر معمول هر سال از حرکت موکب هالیون تا
ورود بهار تا اسب دوانی در سه جاشیک رهنورک شده
و با کمال از استکی اهل سلام و صاحب منصبان نظام در حضور
مبارک حاضر شدند و افواج قاهره و سواره نظامی
شیده و اکثر خلق و اختلاف از صغیر کبیر بجهت زیارت وجود
مبارک هالیون و تاشانی اسب دوانی دور تا دور میدان
جمع گردیدند بعد از آن سبهای سوختنی را که از خطیبان
و سایر شاهزادگان عظام و امنای دولت علییه سوختن
گذاشته بودند دسته دسته با هم قوشه نموده در کشتیا
و جبهه بجهت هر دسته که مباحثی معین است در پیروی بر قضا
گذاشته شروع با اسب دوانی کردند و هر کدام از سبها
اعلیحضرت شاهنشاهی و سایر شاهزادگان عظام و امنای
دولت علییه و امرای کرام که پیش آمدند بنوبه جایگاه سواران

۱۳۹۳

انها وجه انعامی شایسته را دریافت نموده بعد از تماشای
اسب روانی موکب هایون مبارک که سلطان هم
بترتیب شکر تبرک معاودت فرستاده بودند

در روز دوشنبه ششم سرکار اقدس هایون شایسته

تشریف فرمای خانه جناب جلالت بآب شرف ارفع

گردیدند و از جانب جناب معظم تقدیم قربانی و پیشکش

پای انداز کرده بنهار اردر آنجا صرف فرمودند و تا عصر

در خانه جناب معظم تشریف داشتند و از برکت قدم

بینست لزوم اقدس هایون شایسته امروزی را تاشاک

باران نرمی که اهل زراعت فایده آنرا سجد حاصل بهترین

باران شده میدانند باریده نهایت خورسندی که

امالی دارا اختلاف حاصل گردید علی حضرت شایسته بعد

صرف عصرانه و چای باز که مبارک که سلطان معاودت

فرمودند

در شب شنبه نیز از تقاضای خداوندی باز شروع

نموده باران بسیار شدیدی آمد بطوریکه شش ساعت

مستقل بارید و نهرا و کوچها غرق آب شد و نویسین و جرای

بود و بعضی از آبنی و عمارات که آخت و کل بود هم می

خرابی رسیده زمین بهار اگر چه چند دفعه بارندگی شده

روزنامه ها نوشته شد و لیکن باین شدت که در شب

بارندگی کرد تا این اوقات نگردیده و عموم امالی و احوال

خصوصا صاحبان املاک و زراعت ازین نزول رحمت

بینهایت فرین و نورست و شادمانی گردیده بشکر

اقدام دارند
نظر بطور رحمت ملوکانه در باره مقرب انخافان جهانسوفان

امیر اخور و استقامات او در خدمات محوله بخود که مقبول و حسن

اقدس جانان افتاده و در روز اسب روانی یکسوی کلید

کرمانی خوب از طپوس بدن مبارک مقرب انخافان شایسته

برسم خلعت رحمت فرمودند

با قضای عدل و انصاف و ارفقت کامله که اولیای دولت علی

در ترویج امور تجار و مراعات خاطر تجار دارند وصول

ایصال مطالبات حقانه آنها را زیاد منظور داشته و مید

و چون طایفه شایسته در دار السلطنه تیریز از جمله محترمین

تجار میباشند و از قدیمی رعایای دولت علیه و بیست و هفت

النفات و مراحم اولیای دولت علیه بوده اند لهذا در حق

عالیشان آقا محمد قاسم تاجر تبریزی که از آن سلسله و طایفه

در رعیت دولت علیه است رحمت خاص مبذول فرموده و با

وصول کل مطالباتش را لیه قرا محکم دادند و محض کمال رحمت یکمات و شاک

نیز برسم خلعت شایسته

تفصیل درود جناب کفالت نصاب چار کس تبریزی

وزیر محنت را و ایلی محض دولت انجلیس در اختلاف

در روزنامه قبل سمت تسلیم و تحریر یافته است سه روز

بعد از درود روز شنبه ۲۹ شهر رجب المرجب مقرب انخافان

شهباز خان نویسنده باقی از طرف قرین الشرف هایون

یضا رحمانه منت جناب معزی الیه و نقل اجزا و جناب

سفارت را دعوت بحضور مبارک نموده موافق تشریفات

مداوله ایشان را بشک کجایه مبارک وارد کردند و از آنجا

امیر الامرا العظام مقرب انخافان محمد ناصر خان بشکر آقا

باشی برسم و این معموله جناب معزی الیه و اجزای سفارت

با نامه مودت بخامه در مجلس خاص شرف اند و در بزم حضور

۱۳۹۲

ہمایون ساختند اسحق طرز آب و اطوار جناب معزی لیسے
در پیشکاه حضور ہمایون موقع استخوان پذیرفت چنانچہ
سرکار ہمایون با کمال میل بالفاظ دربار کو بہر نثار جناب
معزی الیہ را مورد نوازشات ملوکانہ فرمودند و بعد از
از حضور مبارک با افراد صاحب منصبان مفارقت بلافاصلہ

بلافاصلہ جناب اشرف امجد ارفع صدر اعظم رفقہ بعد
تعارفات و صحبت ہما محبت امیر بہمان ترتیب کہ آمدہ بودند
معاودت بفارغ تکانہ نمودند روز دیگر جناب اشرف
امجد ارفع باز دیدشان شریف بردہ شرایط دوستی و محبت
بعض آوردند و در پنجشنبہ دویم شہر شعبان المعظم پیر جناب
معزی الیہ از جناب نظام الملک دیدن کردند و در پنجشنبہ
سیم ہم جناب نظام الملک باز دیدشان اقدام نمودند

در روز پنجشنبہ پنجم شہر شعبان رمضان نامی کہ یکدفعہ دزدی
و بقطع بد حسبات شدہ در ثانی باز مرتکب سرق شدہ
و دو کوشش اورا بریدہ بودند باز فائدہ بحال او نکرده و
دزدی کردہ بود این دفعہ دست دیگر اورا قطع کردہ بودند
دست اسرق بر نہ اشت از زیادتی لغت بیخ طویل
کردہ بفضل ما انداختہ می شکست و دزدی میکرد تا آنکہ

در این اوقات سجنانہ مرحوم آقا محسود بزدی فرستہ اورا
گرفتند حسب الامر قدس ہمایون نیز نواب مستطاب نثار
و الایبارار د شیر میرزا حکمران دارالخلافہ طہران و توابع
اور وہ نواب معزی الیہ حکم نمودند کہ اورا بسرای اعمال
خود برسانند

و همچنین حیدر نامی بروجرودی کہ یکدفعہ دزدی کردہ دست
اورا بریدہ بودند دفعہ دیگر باز دزدی کردہ و ہر دو کوشش
اورا بریدہ بودند درین اوقات در محکمہ عود لاجان بزدی
رفتہ بود اورا گرفتند حسب احکم نواب شہزادہ دست دیگر
اورا ہم قطع کردند

و ہم چنین علی نامی ترک سجنانہ ضعیفہ ہرندی بزدی رفتہ بود
اورا گرفتند نیز نواب شہزادہ اورا حسب احکم نواب معزی الیہ
بعد از تنبیہ مضبوط ہر دو کوشش اورا بریدہ و ہمارا کردہ
ببازار آوردند

سایر ولایات

استرآباد از قرائکہ در روزنامہ این ولایت
نوشتہ اند مقرب الخاقان محمد ولجان بیکر یکی استرآباد
بانو کرانترانی و سہ ہزار آدہ توپ درین اوقات در نودہ

درامیان و مستطاب وصول باقی نوکر استرآباد چہاں کہ
ان صفحات را نظم کامل دادہ ما نیات طوائف کوکبہ امیر و
و تانار و وچی وغیرہ کہ در آنجا سکنی دارند بحدی وصول برنہ

دیگر نوشتہ اند کہ عالیجاہ میرزا احمدی لشکر نویس کہ از دربار
ہمایون ما مورد دیدن سان نوکر استرآباد بود درین روز
تمامی نوکر آنجا را اسان دیدہ و خدمات خود را انجام داد
درین اوقات کہ احضار دربار ہمایون کردیدہ است در
تدارک روانہ شدن بدار الخلاقہ مبارکہ میباشد

دیگر نوشتہ اند کہ مقرب الخاقان محمد ولجان در اوقات فتن
بکوکلان عالیجاہ محمد جعفر خان پسر خود را بجای خود در استرآباد
گذاشتہ و مشار الیہ کمال قیام و حسن سلوک را با امانی
ملوک میدارد

۱۳۹۵

اصفهان

از فرار یک روز نامه اصفهان نوشته بودند عالیجاه چرا
 نایب الحکومه آنجا همه روزه از طلوع آفتاب الی یکساعت از
 شب گذشته اوقات خود را صرف انجام خدمات
 دیوانی و رسیدگی بقرضیه مردم نمایند
 و همچنین سرباز و توپچی مشورت اصفهان همه روز مشغول
 میباشند و عالیجاه نایب الحکومه کمال اهتمام در تسویق
 آنها مبسوط دارد و بانهایت انتظام حرکت میکنند

دیگر در باب نظم و نسق زراعات خالصه و اربابی بلوکات
 کمال رسیدگی دارد و نهایت اهتمام را نموده است
 نوشته اند که هوا خنجر و بسیار سرد شد و سردی را
 سرمایایا زده است و در بلوکات مابین نوشته اند که
 آفت سن پیدا شده بود اما چندان شدتی نداشت

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا کی همه روزه با مسوولان
 اصفهان مشغول تفریح محاسبات آنجا بوده است
 بیت و مقیم باهیب اراده آمدن بکربلا و کربلا
 دیگر نوشته اند که عمارات دیوانی اصفهان را تا
 بنا و عمارت اخذ است و در کمال خوبی تعمیر میشوند و هر روز
 خود نایب الحکومه سرکشی بکار آنها میکند و اغلب عمارات
 خوب تعمیر شده و بعضی قسم که ناتمام است در این اوقات
 اتمام دارند که تمام نمایند

و چنانچه امر قراولخانههای شهر خارج شهر در نهایت انضباط است
 در قراولخانههای شهر و سواره اردو قراولخانههای خارج شهر مشغول محاربت میباشند

مازندران

از فرار یک روز نامه مازندران نوشته اند در روز
 سلطانی نواب شاهزاده احمد میرزا حکمران مازندران
 مجلس عید را بسیار باشکوه و آراستگی ترتیب داده
 علماء و فضلا و خوانین و اعیان ولایت در آن مجلس حاضر
 شده اند و خطبه بنام اعلیحضرت قوی شوکت شایسته
 خوانده شده روز عید و روز بعد از عید را هم بسیار
 چراغان کرده و روزنامه اساس جشن فراسم آورده اند

دیگر نوشته بودند که امامی مازندران کمال رضامندی از
 حسن سلوک نواب شاهزاده و مراقبت عالیجاه میرزا است
 و زیر دارند و نواب معزی الیه همه روزه از طلوع آفتاب
 تا دو ساعت از شب گذشته در دیوانخانه نشسته
 بقراین مردم و امور ولایتی رسیدگی مینمایند

دیگر نوشته اند که در روز نهم ماه حجب که یوم عید بود
 جناب ولایت نایب امیر المؤمنین علی ابن ابیطالب علیه السلام
 بود نواب شاهزاده مجلس عید مانند اعیان و بزرگان که رسم
 این دولت علیه است منعقد نموده و شهر را این بزرگان
 نموده اند و جمیع اعیان و اشراف ولایت و خوانین عظام
 و صاحب منصبان نظام مجلس نور حضور بهم رسانده عید
 با کمال شکوه و آراستگی گرفته بودند

دیگر نوشته اند که چند روز بعد از عید نوروز باران شدید
 در مازندران باریده و بعد از آن برف زیاده در آن
 آمده است بطوریکه در همه جا از بلبله و بلوکات بقدیر کجاست
 برف در روی زمین بوده است

۱۳۹۶

فارس

از قسرا ریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند از اجتهاد
 نواب مستطاب شزاده والا تبار موند الدوله کمال ایت در
 حاصل است و در او اخر ریح الثانی و اوایل جمادی الاولی
 چند روز بارندگیهای تنوالی در اغلب بلوکات فارس گردیده
 زراعت کاران چون بجهت نابوسی از باران زراعتی چند آن
 بودند در بین نزول رحمت الهی و این بارندگیهای پی در پی
 هر یک بقدر قوه و پیشرفت تخم کاری و بذرتی نموده چسب
 این بارندگیها در تمامی بلوکات و شهر ریح غله تنزل نموده و کمال
 و فوراً بهم رسانده است و رفع تشویشی که از خشک سالی داشتند
 شده و کمال امیداری برای ثالی آن ولایت حاصل گردیده است

دیگر در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند که مبلغ ششصد
 تومان وجه نقد اشرفی از خانه عالیجاه میرزا محمد علیخان ناظم الملک
 بهرقت برده بودند مراتب بعضی نواب مستطاب شزاده والا
 موبد الدوله حکمران مملکت فارس رسیده چون مظهر کلی بگو گریه
 خود را رالیه میرفت حسب احکام نواب معزی الیه بعضی از آنها
 گرفته تبس نمودند ولی نخواه مسروق از جانی برور نکرد تا شبی
 در وقت نماز که جناب غلام عبدالعزیز شیناز در مسجد عالیجاه شیراز
 ابو محسن مشغول نماز بوده است ضعیفه جعبه پیش روی او گذاشتند
 و اظهار کرده بود که مال ناظم الملک است و خود رفته بود
 اتمام نماز جعبه را نیز ناظم الملک فرستاده بود و چهره او
 از سخاوت مزبور در میان جعبه بود ضبط نموده بود اما معلوم
 که ضعیفه که بوده و سارق کدام

دیگر از قرائیکه نوشته بودند اسامی کتابها که در صفحات فارس
 از سالهای سابق رزق شده و بسیار و فوراً در اوزار جمله

مستعار فی یکمن هزار دینار و تنباکوی عطری متنازیک من بی
 شاهی است

دیگر در ضمن روزنامه فارس نوشته اند که بعد از تسخیر بند عباسی
 و استقلال قشون و نامورین سرکار احمد نس هالون شاهی
 در آن صفحات نهایت ایت حاصل است بعضی از مشایخ
 در عابای آنجا که بجهت اعتنا سس سابق بندر مزبور بیرون رفته
 بودند درین اوقات بجهت حصول ایت یکی با دولتان خود مرا
 کرده و مشغول کار و کسب خود و دعا کوفی ذات اقدس هالون
 میباشد

دیگر نوشته اند که عالیجاه محمد ابراهیم خان سرتیپ فوج
 که پس از تسخیر شدن بند عباسی حسب الامر نواب مستطاب
 شزاده والا تبار موند الدوله حکمران مملکت فارس نامور
 با نظام صفحات لا بود درین اوقات امورات محول بخود را
 صورت انجام و آن صفحات را نظم تمام داده و پیش از حجت
 کرده است

دیگر نوشته اند که در جدی و دلو که موسم آمدن باران بود
 در صفحات لا چندان باران نیامده و مردم آنجا ازین مرحله
 بسیار تشویش داشته اند و غله هم تغییر بهم رسانده بوده
 تا اینکه در شب غرماه جمادی الثانی از تفضلات الهی باران
 شدید ریاد در آن ولایت آمده است بطوریکه نوشته بودند
 در حوالی آنجا باران داخه و مالهای خود را بچرا سرداده بودند
 از شدت باران دواب خود را ستوانسته بودند از صحرای جمع آور
 نمایند و پنجاه شت ریس الاغ آنها در آن شب از شدت
 بارندگی تلف شده بود در شب سیزدهم ماه مزبور نیز باران
 ریاد مجدداً در آن صفحات آمده بود بطوریکه آب انبارها و کورال

۱۳۹۷

عذیرا کلاً مقلو از آب شده و امالی آنجا ازین نزول رحمت
زیاده شکر گذاری داشته اند

از قرار اخباری که از مسقط رسیده بود میرزا علیقلی نام ترک
بجته پیداکرون معادن سیاحت در آن اطراف میگردید

ماه ربیع الثانی بخیریه برتر فرستاده معدن که عبارت از
سرب و فولاد و نقره بوده است پیدا کرده و صید نموده

مسقط از سنگ آن معادن بمسقط حمل و نقل کرده و در آنجا
که اخته اند ازشت من سنگ نقره پانزده سیر نقره خالص

بجمل آمده و از سه من سنگ سرب یک من سرب و از سه
سنگ فولاد نیم من فولاد بجمل آورده است و عالیجا سعید

مشار الیه را باز با طرف مسقط فرستاده بود و در کفر
مسقط معدن فیروزج خوب پیدا کرده و تا دهم جمادی

اشت من فیروزه خوب بجمل آورده است بطوریکه حاجی حسن نام
سلاسی تاجر که فیروزج بجهت فردش با آنجا برده بوده است

از او کسی می گرفت و از میرزا علیقلی میخریدند بجهت اینکه فیروز
او هم بهتر و هم مناسبتر بوده است و عالیجا سعید

قراردادن فیروزه را با بیطور داده است که دولت مال خود
و یک مثقال میرزا علیقلی باشد
دیگر از اخبارات مسقط نوشته اند که در آن اوقات خیریت
صید خاله و لدار سعید سعید خان که در سمت زکبار بود

قرار مذکور بقدر دویست هزار تومان تخوای تجاری که اکثر قهوه
بوده است تلف کردید است

گرمانشان

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند نواب
حکمران گرمانشان در انتظام امر آن صفحات اهتمام کامل

و در ذبکیر و قراسوران در سر راهها که داشته اند و با این
کمتری سرفت و در زدی میشود از جمله نوشته بودند که دو نفر

گرمانشانی بسفر رفته اسبابی از میرزا رضا نام شب
کرده بودند و در ذبکیر با و راه آنها گرفت و بسفر برده

اموال سر و قه را نواب امیرزاده علیقلی میرزا حاکم سینه
استر داده و بصاحبش تسلیم و آنها را بعد از تنبیه سیاست

شایسته بگرمانشان فرستاده و بالفعل در آنجا محبوس
مبنی
دیگر نوشته اند که در شب عید مولود جناب ولایت ماب

علی ابن ابرطالاب علیه السلام نواب عماد الدوله شهر لهرغان کرده
و شبازی نموده و روزنهم مجلس جشن برپا نموده سران سپاه

خواین عظام و اعیان ولایت مکی بجنور نواب معزی لیس
و جرای شلیک توپ بقانون ایجاد دیگر کردند و خطبه بام

پادشاهی خوانده شده و آن روز را بعیش و شادمانی و شکر
و دعا کوئی این دولت ابدت گذرانده اند
دیگر نوشته اند که در گرمانشان بعد از عید نوروز چندان
بارندگی نشده بود و مردم شوش بودند تا اینکه در بیست و یکم

۱۳۹۸

روزنامه وقایع اتفاقیه سیاحت پوچم شنبه روز هفتم بهمن ماه سنه ۱۲۷۱

منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
لیکچر الاجار بر طر کله اید
بیشتر بر طر پوچم



مره بیت بیت و دو
قیمت روزنامه
یک نسخه شایک
هفتاد و چهار هزار

اخبار داخله ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی سوار گردیدند اول میدان مشق بیرون دروازه دولت که افواج قاهره مشغول مشق بودند
فرمانگشته شاهنشاهی مشق و حرکات نظامی آنها را فرمودند
و زیاده بسند خاطر مبارک افتاده و وعده توپ بزرگ
۵ پوند و ۴ پوند میان میدان ارک را که حب الام
پرداخت و مرمت کرده بودند با پنج عمده خمپاره بزرگ
از انبار قورخانه بجهت تیراندازی بیرون آورده بودند در
حضور مبارک تیراندازی کرده کلوله توپهای بزرگ یکی
و یکی هفت من و کلوله خمپاره که میان خالی بودند هر یک
بیت و سه من وزن داشتند چاکلی و مهارت توپچیانی
در تیراندازی مستحسن و مقبول خاطر عذرا که انقاده مورد
تحسین و انعام گردیدند و بعد از شاهنشاهی مشق افواج قاهره
تیراندازی توپچیانی اعلیحضرت شاهنشاهی بقصر قاجار که
درین اوقات کمال صفا و خرمی را دارد شریف فرمادند
تا هنگام عصر در آنجا تفریح فرمودند و نزدیک غروب آفتاب
بارک مبارک سلطانی و مقرر سلطنتی حضرت فرمودند

درین اوقات از نزول حجت متوالی جناب آقا حسن
و حسن ایتمانات مناسی دولت علیه کمال امنیت و انتظام
در دارالخلافه مبارکه حاصل است و مردم نهایت خرمی
و انبساط را دارند و کسی را یاری حرکت خلافی نیست و عموم
امالی دارالخلافه از نوکر و رعیت و تجار و کسبه و غیره در
اینت آسوده خاطر بدعای ذات آقا حسن جایون شاهنشاهی
افه ام دارند هوای دارالخلافه در نهایت اعتدال است
از بادانی که در روزنامه هفتگی گذشته نوشته شد درین
هفته نیز باران ناخفیه در دارالخلافه آمد و در اطراف غلب
احق است برست و بارندگی میشود که ما را سرسرف
گرفته است تشویشی که صاحبان اطراک و زراعت از میان
حاصل شستند بکلی رفع شده است و امسال زیاد تر از سال
دیگر زراعت کرده اند و از آفت سن که هر ساله در و راهین
داشت امسال اثری نیست
نظر بصفا و خرمی اطراف دارالخلافه مبارکه در روز پوچم شنبه

۱۳۹۹

چون مراتب کفایت و کفالت و حسن رفتار و کردار جناب
 میرزا محمد صادق قایم مقام در امور معاملات و رتی و فوق
 کلمه مهام آذربایجان از نظام و غیر نظام در پیشگاه حضور
 هر ظهور بهایون بدرجه شهود و ظهور رسید درینوقت که حسب
 برکات مبارک شرفیاب شد محض کمال حرمت و عنایت عالی
 بقطعه شان مکمل با لباس موشیح و مزین بمشان در مثال
 قرین غر و امتیاز گردید و بعد از انتظام امور متعلقه بخود آن
 مرضی از جانب سنی ایچوانب ملوکانه حاصل نموده در روز
 شنبه یازدهم بیابغ سیر دار نقل مکان نمود که روز شنبه
 روانه آذربایجان شود

چون در عمل کمرک تجارت دول خارجی که صد پنج میدهند و جوان
 از مباحترین کمرک میگیرند تجارت ایرانی هم بجهت نفع خود
 کمرکچی با ساختگی و تبلیس نموده با اسم تجارت دول خارجی جواز
 میگیرند و ازین فقره همیشه کمرکچی سرحدات غارض و شاکلی بود
 و ضرر کلی با تجارت و کمرکها نهاد میرسد و رده استند
 نوشتگان پس مهر جواز کل مالک محروسه را سوای آذربایجان
 و کیلان و فارس که در آنجا قونول دول خارجی باشد
 و تشخیص در عیت ایران و سایر تجارت دول میدهند و رانه
 بعضی کمرک هم نمی شوند کمرکچی کمتر میتواند جواز سازی نماید و
 سایر ولایات ایران قرار این است هرگاه تجارت دول خارجی
 عالی خرید نماید صد پنج خود را بدهند و جواز بگیرند بیاید
 نوشته جواز خود را بدار اختلاف فرستاده بجهت هر یک از دول
 خارجی در سفارتخانه دولت متبوعه خود بمهر دولتی برسانند
 که در راه دارخانه و سرحد بجهتشان وقتی نباشد و هرگاه
 مهر دولتی بدست باشد موافق قاعده در راه دارخانه

سرحدان جواز را قبول نخواهند نمود بجهت رفع غرض و شکایت
 کمرکچی سرحد و رسیدن خستارت بکمرک از دیوان اعظم
 یک مهر جواز جهت کل مالک محروسه درست نموده و بلیجاه
 مقرب حضرت العلیه میرزا عبدالستوفی کمرک سپرد که
 من بعد از هر ولایت از تجارت دول خارجی خریدی نمایند
 بعد از تحقیق حال او و داشتن باش برزد و دادن صد پنج
 مال خود را بقانون کمرکچی آن ولایت جواز بدهد و صاحب جواز
 نوشته جواز خود را بمهر دولتی سفارتخانه رسانیده و همان
 نوشته جواز را نزد عالیجاه میرزا عبدالستوفی کمرک در دولت
 برده بمهر جواز دولتی که در نزد اوست برساند تا بعد ازین
 سایر تجارت ایرانی با کمرکچی باین اسم نتوانند تعلقی نمایند و
 راه دارخانه و سرحد من بعد از پیچوب حرفی و معطلی جهت تجارت
 دول خارجی نباشد رفاه حال آنها و رفع شکایت کمرکچی
 خواهد شد و تجاری که از دول خارجی در دار اختلاف میباشند
 چنانچه بخواهند در ولایات خارج آدم فرستاده خرید نمایند
 بلیجاه مشارالیه اطلاع داده که بکمرکچی بای ولایت اطلاع
 که خلافتی نشود

امور استقصونی

چون
 و پوچیان و افواج قاهره همه روز مشول شومستند و عموم صنایع
 کمال استقامت را در تعلیم سربازان دارند و حسب قرارداد
 امیرالامراء العظام سردار کل روزهای شنبه را از ایام هفته
 افواج قاهره در بالای میدان اسب دولتی تیراندازی مینمایند
 درین اوقات نظرباش استکی عالیجاه میرزا صادق خان پسر مقرب
 مشیرالدوله امنای دولت قاهره حسب الاشاره العلیه سرکنشی

فوج جدید شتاقی را بعالیجاه پشار الیه مرحمت و در ازای منصب
مربوب یک طاقه شال با و خلعت عنایت فرمودند

چون جنخان سر بنک فوج اردبیل مشکین توانست اغیبه
نظم آن فوج براید و بسیار بی نظمی کردند لهذا سرسنگی فوج بود
بعالیجاه نتیجه الامراء العظام حسنعلی خان پیشخدمت شایسته
که حسن خدمت و قابلیتش در نظر پادشاه چون جلاوه گردیده است
و یک طاقه شال خوب نیز با عنایت فرمودند و از دربار پادشاه
آنون مرخصی حاصل نموده درین اوقات همراه مقرب انخان
قایم مقام روانه آذربایجان است

سایر ولایات

استرآباد از تفرار یک در روزنامه این ولایت
نوشته اند مقرب انخان محمد ولینجان بیکارسیکی استرآباد
عالیجاه قلیخان یوزباشی را با یکصد نفر جمعی شالیه بجهت
قرادولی سیاه بالا و اطراف شهر گذاشته بود در آن اوقات
چند نفر از شرار سرکان بغزم تاخت و تاز بان صفحات آمد
بودند و دو سه نفر آدم با چند ریس مال برده بودند و علیجاه
شالیه آنها را تعاقب کرده و یک نفر از آنها مقتول و چند نفر
زخمه را کرده چند تیره و تفنگ و قرامینا از آنها بدست
آمده باقی اسیر و مالی که برده بودند بجا گذاشته مخد و لاو
مشکو با فرار کرده اند

دیگر از تفرار یک تعبیر اجناس استرآباد در این اوقات
بودند ازین قرار است

- شالی بوزن بلده یکخوار یک تومان
- برنج عنبر بوسه یکخوار دو تومان
- گوشت یکمن چهارعباسی

- روغن یکمن چهار هزار
- کندم یکخوار هشت هزار
- عدس یکخوار سیزده هزار
- باقلا یکخوار سیزده هزار
- پیه که اخته یکمن دو هزار
- قد بوزن بلده یکمن دو ازده هزار
- شکر سفید بوزن یکمن هشت هزار
- بنات بوزن یکمن دو ازده هزار
- میزم یکخوار چهارعباسی
- ذغال یکخوار یکربال
- اسن یکمن دوربال
- شکر سرخ بوزن یکمن یکربال

خراسان

از تفرار یک در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
کمال امنیت در آنجا حاصل است و مقرب انخان وزیر نظام
در غیاب نواب مستطاب نیراده آشنم و الاتیار فرمانفرما
امور انولایت از هر جهت و حیثیت منظم و مصیوط دارد
و امالی انولایت در نهایت فراغت و آسودگی بدعا کونی دارند
احدس پادشاه شایسته شغال دارند

دیگر نوشته اند که خبر سگت قشون اورگنجی و مقبول شدن
خان خبوق که بهرات رسیده بود مقرب انخان ظمیر الی
شهر را این بسته و چراغانی نموده اجرای شلیک توب کرده
و آورنده جبر النعام خلعت داده بود

دیگر نوشته اند که نواب مستطاب نیراده آشنم فرمانفرما
سرخس پانزده فرسخ به سمت مرو گذشته و قشون شکسته

۱۲۰۱

خیمتی آنچه از دم شمشیر شکر فیروز ارجان بدر برده اند
بست خنوق فرار کرده اند و ریش سفیدان مرو خدمت نواب
شاهزاده آمده اظهار اقیاد و اطاعت این دولت قوی را
کرده اند چون طایفه قریاب درین فترات اغلب اوقات
هرزگی و فساد می شده اند نواب محترمی الیه بفرم تبیبه آنحضرت

فرموده اند

دیگر نوشته اند که در سیر و هم عهد نوروز در ارض اقدس و
جایهای خرابان هوا شدت سردی شده بوده است بطوریکه
آبهای بسته سردی را سرزده بود

مقرب انخافان وزیر نظام از قراریکه در روزنامه آنجا نوشته بود
علی التوالی وجه نقد وارد و سایر اذوقه بار و وی نواب
شاهزاده میفرستاده اند

دیگر نوشته اند که چون صحن جدید روضه رضوی علیه الاف
والنجمه جاری گذاشت مقرب انخافان وزیر نظام فرمود
که چهار حوضی خوب در وسط صحن مزبور سازند که آب بهر
با آنجا جاری شده و از آنجا بازگشته بهر مزبور برود
و در این اوقات بنا و عمل در کار و مشول ساختن چهار حوض
مزبور میباشد

و هم چنین پل آق در بند خرابی بهم رسانده بوده است
وزیر نظام وجه نقد و نقد رسید خروار آرد و بنا و عمل
اسباط و اندیشه که پل مزبور در کمال استقامت باشد

اصفهان

از قراریکه در روزنامه آنولایت نوشته اند در این اوقات
که موسم صیفی کاری است عالیجا چراغعلی خان پسر آنحضرت
اصفهان نهایت اتمام وقت و رسیدگی در صیفی کاری

بلوکات دارد که خدایان و ریش سفیدان قرار خالص
اربابی را قدغن یک نموده است که لوازم اتمام را در زراعت
بعضی بیاد رند و بقدر کفایت بذریع صیفی بهر یک از قرار
و اربابی داده است و هم چنین در تقیه ما و دیهای اصفهان
عمده و آدم که استه است که ما دیها را تقیه نموده پاک کنند

دیگر نوشته اند که عمارت نیراجریب خرابی بهم رسانده بود
عالیجا شاهزاده بنا و عمل که استه است که تقیه حوض
عمارت آنجا نموده و با آنجا اشجار خرابی

دیگر نوشته اند که در این اوقات اجناس و ماکولات
از اتمام عالیجا نایب حکومت در اصفهان و نوروز آرد
هر چیزی فراوان و ارزان است کندم بکین میسر
جو بکین یکجاسی نخود یک من و دو عباسی کشت یک من
یک هزار و یکشاهی و سایر اجناس آنجا بهم از این قرار است

فارس

از قراریکه در ضمن روزنامه شیراز نوشته اند شخص بیاتی
آدم خود را بهی بیزار فرستاده بود آدم او دیر آمده بود
مشا را لیه تعمیر کرده لکدی به بچلوی آن آدم زده بود فوراً
پلاک شده و شخص مزبور حسب الامر نواب مستطاب مؤذنه
مجلس است تا حکم آن شود

دیگر نوشته اند که امور آنولایت از استقامت نواب مستطاب
سوزد الدوله قرین الضباط و انتظام است و نواب محترمی الیه
بهر این عموم مالی آنجا بحال وقت و رسیدگی دارند و اگر بنده
از کسی خلاف حسابی ناشی و صادر شده باشد در مقام رفع آن
بر می آیند و مالی آنجا را یعنی سوده و عا کونی اقدام دارند

۱۴۰۲

بروجرد و لرستان

چون طایفه سگوند لرستانی ساها سرف و شربت
 عادت کرده بودند و درین مدت که نواب هزاره و الا
 هشام الدوله در میان جمیع طوایف آن صفحات نظر کامل
 داده اند طایفه بزبور را هر چه از برزگی و شرارت منع و
 انقیاد دلالت کردند آنها بواسطه عابای سخت و سفاقت
 که داشتند سرسختگی فرود نمی آوردند و درین اوقات
 بعضی از طوایف لرستانی را هم که رعیت بودند و مالیات
 میدادند میان خود برده بکلی سر از اطاعت باز زده و
 راه قواغل آمده دست اندازی بجان قواغل میکردند
 نواب معز می آید در صد و نوب و کوشال آنها بر آمده بعد
 ورود عالیجاه مقرب انخافان علیسقی خان سر می آید
 شاهزاده عالیجاه شاهی را با فوج کرازی و نوکر لرستانی
 نامور پیبیه آنها نمودند طایفه سگوند پشای سک جانی
 که داشته با قشون ناموره از در مقابله و محاربه درآمدند
 چند روز باین نزاع و قتال در گرفتند چند نفر از نوای
 آنها که بهتور و جلادست مشهور بودند مقتول و باقی محصور
 از در استیمان درآمدند عالیجاه علیسقی خان در اوقاتی که
 نواب احتشام الدوله در زقزل بودند مراتب را خدمت
 نواب معز می آید عرض کرده مقرر شد که گروهی معتبر از آنها
 گرفته و اموالی که از مردم تبعیدی برده اند استرداد و
 آنها را بخیله وصول در آورده بعد از انتظام امر آنها بدو
 خدمت نواب شاهزاده بیاید عالیجاه شاهی را به تیر خیمه
 محمول و آنها را بمقام اطاعت و انقیاد در آورده بدو قول
 کرد است نواب شاهزاده حسن شادست و خدمتگاری عالیجاه

علیسقی خان و نوکر ابو اجمعی او را بهر بارها یون عرض نموده
 مورد تحسین و التفات لوکانه گردیدند

دیگر در ضمن روزنامه بروجرد نوشته بودند که قبل از عید
 در آن ولایت شده بود و بعد از عید مسم تا بهیت و چهارم
 ماه رجب بهمان منوال بخشکالی گذشته امالی اینجا اضطرار
 زیاده داشتند و بعضی از ایلات لرستانی نیز بسبب عدم
 از اناکن و اوطان خود متفرق شده به بروجرد و آن صفحات
 آمده بودند و بزنج کندم خرواری سه تومان رسیده بود
 تا در بهیت و چهارم رجب المرحب از تفصیلات خداوند
 بارندگی کامل در بروجرد و آن صفحات شده نشوئی که مردم
 از خشکالی داشتند رفع کردید و فی السجده اطمینان تجمل
 اینجا حاصل شده است

دیگر نوشته اند که قبل ازین بارندگی امالی دماستختیاری
 وسیلا خور و اکثری از رعایای دماست دیگر اقبیل خایان
 و غیره که سر درختی آنها را سر مالغف کرده بود و با سدهای
 تخفیف بروجرد آمده بودند بعد از نزول رحمت الهی اطمینانی
 سجه زراعت بسیار مانده مقرر شد که با اوطان خود رجعت
 نموده به کمر می مشغول عیسی خود باشند و ملت اول مالیات
 نیز بانهاج الا شود تا ورود نواب احتشام الدوله که این ازور
 قاری در کار هر یک از دماست مبر بود بند

ضمیمه اخبار و اخبار

در روزیکه سرکار آقا سس هایون شایسته بی ان مشق
 تشریف فرما گردیدند نظر مشق و حرکات نظامی فوج مرا
 مستحسن و مقبول خاطر مبارک افتاد و آنها را نهایت رحمت
 عنایت در حق مقرب انخافان جعفر و لیجان قیس فوج مراد

مقدم فسر مودند

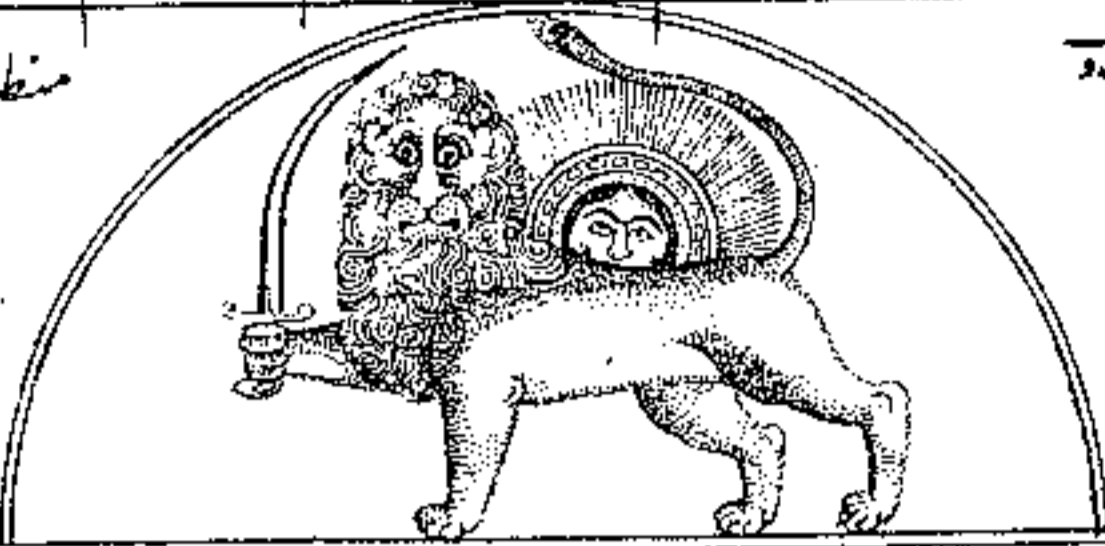
در روز شنبه یازدهم اینجاه سرکار اعلیحضرت شاهی
 بجهت تشویق متعلمین مدرسہ دارالفنون ساعت یغروب باند
 بدرسم مزبور تشریف فرماتده بهر یک از اطرافهای مدرسہ
 که صنفی از شاگردان مشغول درس مخصوص خود بودند فردا
 فردا تشریف برده بدرسمهای آنها رسیدگی فرمودند و
 شاگردان مدرسہ مراتب امتحاناتشان تحسین و مقبول خاطر
 اقدس هایون افتاده اظهار عنایت و رحمت با تکلیف
 و مراحسم و عنایات ملوکانه باعث امیدواری و توشیح
 تشویق و ترغیب و تحصیل شاگردان و تعلیم متعلمین گردید
 چنانچه عنقریب بجهت اعتدات متعلمین و از قرار تحصیل متعلمین
 امید است شاگردان لایق که قابل ارجاع سرکونه عدالت
 نظامیه وغیره توانند شد از مدرسہ مزبور بیرون بیایند
 درین اوقات که جناب مقرب انخافان میرزا محمد صادق
 قائم مقام اذن مرحضی از دربار هایون حاصل نمود
 که بازر بایجان برود و علاوه برشان مکمل بالماس
 موشح بمشال همیشال هایون که بمقرب انخافان شارایه
 مرحمت شده و در روزنامه نوشته شد یکتوب جبهه
 سنگین خویش از جانب سنی ایجو انب ملوکانه مرحمت گردید
 مستدعات مقرب انخافان مشارالیه را نیز امنای
 دولت قاهره حسب الاشاره العلیه بانجام مقرون
 داشتند از جمله عالیجناب میرزا ابوالقاسم شیخ الاسلام
 تبریز که چند سال بود احضار بدربار هایون شده و
 دار انخلاف مبارک که توقف داشت بجهت مستدعاتی

۱۴۰۲

مقرب انخافان مشارالیه مرحض آذربایجان گردید
 که مسراه ایشان مقصد روانه شود و همچنین بجهت علمای
 واعیان و اشراف آنجا و صاحب منصبان نظام ستیری
 و تخفیف و موجب و منصب ستیری گردیده از دیوان
 اعلیٰ محجری داشتند و نیز بجهت مستدعاتی مقرب انخافان
 مشارالیه حکومت خوی بنواب شاهزاده محمد رحیم
 و حکومت ارومی بنواب سلطان احمد میرزا و حکومت
 اردبیل بنواب اکبر میرزا و حکومت مشکین بجالیجاه
 حیدرسلیمان بجنوردی مرحمت شده و بهر یک از جاه
 سنی ایجو انب ملوکانه یکتوب جبهه ترمه خلعت مرحمت گردید
 و از صاحب منصبان نظام نیز بجهت مستدعاتی
 مقرب انخافان مشارالیه عالیجاه آقا جانی خان بنک
 فوج بهادران منصب سر تپی فوج مزبور و عالیجاه
 اسمعیل خان بیک یاور توپخانه منصب سرسکی توپخانه
 و عالیجاه اللہیار خان یاور فوج شقایق منصب سرسکی
 عالیجاه مرتضیٰ قلینجان منصب سرسکی سرفراز و بجهت
 بهر یک ازین صاحب منصبان نیز از جانب سنی ایجو انب
 هایون موافق ایشان منصب خلعت رحمت و التفات گردید
 و چون جناب قائم مقام نظامی در مزاج داشتند لهذا
 بجهت مقرب انخافان میرزا محمد حکیم بابی که در خدمت اقدس
 هایون محل اعتماد و اعتبار بود مستدعی شده اذن
 مرحضی حاصل نمودند که بجهت مداوای ایشان مسراو بازر
 برود و حسب الاشاره العلیه انعام و خلعت در حق
 مشارالیه نیز مرحمت گردیده درین اوقات مسراو مقرب انخافان
 قائم مقام روانه آذربایجان میشود

روزنامه وقایع اتفاقیه پنجشنبه بیستم شهریور ماه مطابق اول شهریور ۱۳۷۱

نزد و سینه میزد
قیمت روزنامه
یک نشتر و یک کلاه
و نان و چهار برادر



منطقه داران خلفه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر لاجه سطر یک سطر
بیشتر با هر سطر بخار

اخبار و حاشیه ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز سه شنبه چهارم ماه به لحاظ خوبی هوای دارالخلافه و اطراف و زینت و خرمی باغات و عمارات دیوانی بیرون شهر خصوصاً قصر قاجار که درین اوقات جداول و قطعات آن سخون با انواع ریاضین و بصرها و سبزی باغین و شکوفه اشجار و طراوت جوینا کفایت اینها را و استهلاک دار و سرکار اقدس نمایان شایسته ای بجز نیت چند روزه توقف و تفریح تشریف نیا آنجا گردیدند و شب پانزدهم ماه جب را که شب برآ بود از قورخانه مبارک که اسباب تشبازی و اسب و شایه و در حضور مبارک فراسم آورده آنتب العیش و سرور گذرانند و در روز شانزدهم غلامان سرکاری کوچکی امیرالامرا العظمی مقرب الخاقان میرزا محمدخان سیرجی با که در روز قبل جناب جلالت تاج شرف ارفع صدر اعظم در بالای باغ لاله زار سان آنها را دیده بودند در سلو سردرب قصر قاجار با کمال راستگی و نظام و شکوه لباس و سلاح از حضور مبارک گذشته سان دادند و در

آنجا از حیث اسب و اسب استحسن و مقبول خاطر ملوکانه انتباه مورد تحسین و التفات گردیدند حضورنا سواران نظام جدید آنجا که زیاده پسند خاطر اقدس نمایان شدند و به لحاظ حسن اهتمامات مقرب الخاقان کشیکچی باغی که در انتظار و راستگی و استعداد اسب و اسب آنجا معمول داشته با کمال شکوه از حضور مبارک گذرانید و در خو عنایت ملوکانه آمده یکسوی کلید از لباس بدن مبارک مقرب الخاقان مرحمت فرمودند و هم چنین عالیجاه موسی بربری که معلم غلامان نظام بود خدمت اقدس مستحسن خاطر اقدس نمایان افتاد و یکسوی شال ترمه میرزا و خلعت مرحمت فرمودند مقرب الخاقان قائم مقام که برکات مبارک آمده بود در روز سه شنبه بیستم بقصر قاجار آمده از خاک پای سپیون مرحضی حاصل نمود در روز یکشنبه نوزدهم روانه آذربایجان گردید درین اوقات اگر چه این روزنامه نسبت سابق طالب و خرید بیشتر دارد و از نواید روزنامه مردم فی الجمله استحضار حاصل کردید لکن هنوز مثل سایر قریبها و دول روزنامه استهلاک ندارد و انتشاری یابد و چنانچه باید مردم طالب شوند نمیشناسند

۱۴۰۵

ممالک محروسه ایران از فواید روزنامه درست اطلاع و آشنایی
 بهم نرسانده اند اگر چنانچه اهل ایران نیز مثل اهل اروپا و
 فواید روزنامه را بداند و نیست که در پای تخت و خند
 جا و هر روزه بنای باسه کردن روزنامه مثل ولایات
 بگذارند که هر روز دو دفعه یا سه دفعه روزنامه در می آید و
 منتشر میگردد و مردم از خواندن روزنامه از تمامی اوضاع خبری
 و کلی اتولایت و اخبارات و احوالاتیکه از اطراف بیاید
 میرسد مطلع و مستخبر میگردد و علاوه بر اینکه فواید که در
 روزنامه است فایده عمده دیگر دارد که اکثری از آن فایده غافل
 و آن این است که پاره اشخاص که چندان شغولیتی ندارند بکار
 نشسته اند و بدین واسطه خیال زور آورده اند که شغولیتی پاره
 تا ظایمات میگردند و عقل خود را با خیالات محال ضایع و
 خراب مینمایند اگر روزنامه مستعد از هر طرف با آنها برسد
 این خصله شغولیتی است که آنها را از خیالاتی که بجا حاصل است
 باز میدارد و بصیرتی جهت ایشان حاصل میگردد
 و نیز در روزنامه های دول دیگر قرار است که اگر کسی در علمی
 علوم مسئله حل کرده باشد یا در صنعتی اضمحالی اختراع کرده
 دخل و تصرف یا تصنیف بکند می آید و چنین میدهد و در
 اعلان میکند که مردم از فهم و ادراک و معرفت آن شخص
 بشوند و بهره از انظار بهره درین روزنامه این قاعده
 تا حال معمول نبوده حال رسماً اعلان میشود که هر کس در علمی
 علوم مثل نجوم یا هندسه یا ریاضی یا طب یا حکمت یا سایر علوم
 متداوله مسئله مشکف و حل کرده و اجتهادی در مطلبی بکند یا
 تصنیفی در صنعتی کرده یا خود مخترع شود آن شخص بدو قرض
 روزنامه بیاید و مفصل کیفیت را بگوید و بدین اینکه وجهی

۱۴۰۶

در روزنامه نویسانند که این قاعده در روزنامه این دو
 علیه نیز رواج بیاید و بطالبه وجه اعلانات این اشخاص
 محض اینکه خود بر عبت در روزنامه اعلان کرده فایده آن
 غاید خود آن شخص سایر مردم بشود و سایرین هم بسوق
 تعلیم و تحصیل بیایند کافی خواهد بود و از سایر ولایات هم
 کسی مطلبی بنویسد و بفرستد بدون مضایقه در روزنامه
 خواهد شد
 درین اوقات مقرب الخاقان میرزا محمد حکیم باشی کتابی مصوّف
 در علم طب مشتمل بر مباحث تشریح انسانی با پنجاه و شش لوحه
 تشریح بسیار قواعد اور و پادیکر در لغت نمودن جسم انسانی
 عضوی از اعضای انسانی را بچه کیفیت و چگونه باید تشریح نمود
 دیگر در حفظ اجسام اموات که چگونه باید محافظت نمود که پوسید
 نشود و دیگر در معالجات جمیع امراض بطور و طرز فرنگستان دیگر
 در علم جراحی دیگر در علم سنگته بندی دیگر در ادویه مفرد و مرکبه
 که در معالجات حکمای فرنگ معمول و متداول و مستعمل است
 تالیف نموده بنظر جناب استطاب اشرف ارفع صدر اعظم رسیده
 بسیار پسندیده و مطبوع آمد و بحضور مبارک سرکار احدین
 عرض شد تحسین و توصیف فرموده و بجناب مقرب الخاقان
 قائم مقام امر و معرود استند که در دایره سلطنت تشریح ازین
 همین نسخه ششصد نسخه با تصاویر و اشکال با سه صد نسخه
 ولایات محروسه بفرستند که مردم از فواید این کتاب
 بهره مند باشند
 در سال گذشته در روزنامه اعلان شد که بجهت مسامحه و جود احد
 هایون شاهنشاهی و برکت تربیت جناب جلالت آفتاب اشرف افغان
 صدر اعظم توفیق خداوندی شامل رود کار عمایچه میرزا محمد حکیم

نواب به اربع نگار گشت تا کتاب مستطاب شرح ابن
 ابی الحدید بر پنج البلاغه را که در استیفاء حقایق علوم و دقائق
 ادب و لطایف عربیت و کلمات بلغار و مواعظ فصیحی از
 دیگر مصنفات او ایل و او اخر ممتاز بود و از جهت طول ذیل کتبت
 کتابت همه کس را کنت اقتضای آن نبود و مردم مسترجوی
 و طلبه علم از کتاب تو ایید و دریافت مطالب آن محروم
 بودند با اتمامی تمام و مخارجی زیاد در دارالطبابعه طهران
 حقت بالامن و الامان طبع نمود تا درین اوقات تمام از
 طبع بر آمد و در نظر صاحبان علم زیاد مستحسن افتاد و از دیگر
 کتبت که در مالک محروسه بل از غائبان سبهای خارج در حسن
 و موزونیت قطع و تمامی طبع کمال امتیاز بهم رسانید و چون
 عرض کی عالیجاه پشار الیه این عمل نشر فضایل امام علیه السلام و دنیا
 خیر و بقای نام دولت جاوید است بود این کتاب را که به جهت تکمیل
 چهل هزار بیت کتابت دارد و در دو جلد است و اگر با چنین خط و
 تمام می بایست کرد البته متجا و از دولت تو مان خرج میداشت از
 بر نیز اربیت ده شاهی که هر دو جلدت تو مان شود قیمت گذشت
 و تفرقه نمود و لازم نمود که مراتب در روزنامه دولتی بگاشته
 همه کس را اعلان شود

درین اوقات که اعلیت شاهی در قصر قاجار شریف دارند امور شهر را
 نواب مستطاب برده و الا بتا را در میرزا حکمران دارالسخا و توابع درین تمام
 و اگر کسی ایحانامه شریارت شود در تمام مواضع تشریح می نماید از جمله درین
 روزنامه و نفرکی قلی نام و یکی علیقلی نام صدر شریارت است بود در این کتاب
 نواب سزای لیه آوردند بعد از تنبیه مضبوط است صاحب حکم ماکر کرده
 بازار را گردانده اخراج بلد نمودند
 نظر محسن خدمتگذاری و مراتب قابلیت عالیجاه محمد جمعیل خان چا پارچا

در روزه اسنه تو شقان تیل منغ و دیت تو مان بر سبب تو مان حساب
 سابق او علاوه رحمت شد و فرمان هایون شرف صد دریافت
 بجهت هر یک از چاکران در بارهایون از اهل نظام و سیره علامت و نشان
 رحمت شده بود که سبب تشخص هر یک علی قدر مراتبهم بوده تا در
 چاکران غلام چاپاران بدون نشان بودند و در سبب با نشانها
 چاپار دولتی گاهی از جماعت قطع الطریق صدمه بانها میرسد لیه
 مقرر شد که عالیجاه چا پارچی باشی موجب نقشب و طرحی که جناب جلالت
 شرف از رفح صدر هم مشخص نمودند پنجا قطعه نشان برای غلام چاپاران
 بسیار که در کلاه آنها نصب نماید و عالیجاه پشار الیه حساب
 مشغول ساختن نشانها میباشد

از قراریکه مباحثه چاپارخانه بعضی اولیای دولت قاهره رسانیدند
 اشخاصی که با سبب چاپاری عبور نمائند تا قوه دارند ضربت سبب نمینند و آن
 بعضی لنگ نموده و بعضی می کشند و این سبب باعث سبب چاپارخانه
 لهذا مقرر است که هر کس سبب چاپارخانه را بکشد و یا معیوب نماید
 در به قرار که حکم شده بود میباید از محمد تمیم سبب آید و ضابط چاپارخانه
 آن منزل تا قیمت اسب را بگیرد و میگذارد از آن منزل ره شود و میر کس از چاپار
 اسب بردارد و دادون قیمت اسب و قیقه در منزل خود نگاه دارد و محض در
 اسب را بچاپارخانه برساند که اسب حرق دارد گرم و سرد و تلف شود که از محمد
 قیمت آن بر آید

امور مسوولی

در روز یکشنبه ۱۹ افرج قاهره نظام میدان مشق خارج دروازه دولت مشغول
 شلیک بودند و تا عصر روزم نور دسته دسته شلیک نموده با کمال
 مهارت مشق کردند و سایر روزها را نیز استمرار مشغول مشق نمایند
 و صاحب منصبان نهایت اتمام در مشق آنها دارند
 سایر ولایات

۱۲۰۷

عراق سلطان آباد

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند عالیجاه مقرب
 میر حسن خان در انجام خدمت دیوانی و رسیدگی بفرایض رعایا
 بحال مستقام و معمول میدارد از تجلیه بجهت روانه کردن فوج
 خلیج ابوجهمی عالیجاه مقرب انخاقان شیخلی خان سرتیب که
 حسب الامرهایون بکرمان نامور بودند مقرب انخاقان میرزا
 بقیرا براسیم آباد آمده و قدغن نموده بود که هرکس چهره
 لازم داشته باشد خریداری نماید و کسی با اسم سیور
 دیناری از رعایا مطالبه نکند و در برابرهم آباد اولابکار
 فوج مزبور رسیدگی نموده صاحب منصبان و عموم احاد
 افراد سر بازار از خانه و عیان خاطر جسمی داده باکمال
 آراستگی و دلگرمی آنها روانه کرمان نموده است بعد از آن
 بحال و مباشترین عراق را که بجهت قرار دستور العمل و دادوستد
 حاصل جدید تو شقان میں با براسیم آباد حاضر شده بودند
 خواستند قرارهای درست که مبنی بر رفاه حال رعایا و سبب
 دعا کوئی آنها بود که داشته هرکس قرار بدی خود افینت
 و شکر بدات خود رفته اند چون در سال گذشته بعد از
 تحقیق از هر یک بر یک از رعایا مساوسه بوده که زیادتی
 بسیار با آنها شده است و این معنی اگر در سال جدید هم همان
 جمع قرار می شده زیاده باعث پریشانی و تفرقه رعایا میگردید
 قراری در مالیات ایجاد داده است که زیاده از مالیات و فروتنی
 دیوانی و یک جمع حق حکومت دیناری از عیث گرفته شود و
 از آنکه خدایان و مباشترین گرفته است که زیاده از این
 بیسج اسم و رسم از رعایا مطالبه نمایند سوای تدارک مهربان
 که از نام رعایا میس خاطر خود بتمند کرده بودند و خواهند

دیگر نوشته بودند که بعضی از رعایا پاره از مباحثین
 و زیادتی کرده و جریمه گرفته بودند عالیجاه مشایخ
 آن مباشترین را که نقدی کرده بودند تمسبه منبسط نموده
 که بجریمه گرفته بودند بعضیها از آنها استرداد و بصاحبان
 تسلیم نموده است و نیز بعضی از مباشترین و که خدایان با اسم
 پاره قالیچه و اسباب از رعایا خریده و خواه آنها را نیمه بها
 داده بقیه را بدفع الوقت میگذرانیده اند بعد از آنکه رعایا
 رسیدگی عالیجاه مشایخ و احقاق حق هرکس مطلع شده
 مراتب را عرض کردند حق هرکس در نزد هر یک از که خدایان
 و مباشترین مانده بود محصل که داشته حکما از آنها گرفته و
 بصاحبان تسلیم کردند

بروجرد

از قرار روزنامه بروجرد که نوشته بودند بعد از بازگشت
 متوالی در آن ولایت نزع غله که ترقی کرده از جمله کندم
 حر واری تا سه تومان رسیده بود منزل نموده و
 آذوقه و ماکولات و فو بهیم رسانده است و درین
 اوقات تغییر اجناس اینجا بقرار تقصیل ذیل است سایر
 کندم یکخوار دو تومان و چهار هزار
 جو یکخوار هفت هزار
 روغن سه من و سیزده سیر هفت هزار و پانصد
 گوشت سه من و سیزده سیر سه هزار و سیصد
 ماکولات و جو بات نیز همین منطقت منزل بهر ده است

کازندران

از قراریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات
 که بشارت جنگ خراسان و شکست قشون اورکچی را این

۱۴۰۸

دولت علیه بنواب احمد میرزا حکمران مازندران نوشته بودند نواب مغربی لایه این مرده را کوشید و جمیع امانی نموده لوازم خویشی و شادمانی معمول کرد

دیگر نوشته اند که چند نفر در مازندران بهم رسیده اند که بطور غریب سرقت می کنند اول آمده در خفیه ولی خبر خاندان را آتش میزنند اهل محله که خبردار میشوند بجهت خاموش کردن آتش میروند درین بین دروان فرست کرده بعد مدت در اسباب از خانه های مردم بسر میبرند نواب شاهزاده احمد میرزا درین باب قدغن اکید کرده اند که در بخشش باشند و مرکب این اعمال به ست بیارند ولی تا بحال کسی ازین اشخاص بی نیامده است و از قرار تقریر بعضی میگفته اند که این اشخاص از ظایفه ضاله با پی میباشند

دیگر نوشته بودند که امانی مازندران از حسن سلوک و رفتار نواب شاهزاده احمد میرزا و مقرب انخافان میرزا اسد الله و وزیر کمال شرف و رضامند بر او در حضور نواب شاهزاده بعراض مردم رسیدگی مینمایند و اگر نسبت کسی تعدی و اجحافی شده باشد در مقام رفع آن بر می آیند

دیگر در ضمن روزنامه مازندران نوشته بودند درین اوقات ضعیف بگرام رفته عصر بیرون آمده و محض بنجانه فوراً آورده گشته بود

استرآباد

از شهر آریکه در روزنامه این ولایت نوشته اند درین اوقات عالیجاه مقرب انخافان مجتهد و لجان

بیکر بیکی در قزل تخت کولکان بوده است و از قتل حول و خوش استرآباد عالیجاهان غیب الصیغین منصور دلو و محمد باقر خان انزلی و آقا خان کنول و غیا

کر محمد باجمیت باجمعی خودشان در سه عمارت با چند نفر توپچی در نزد مقرب انخافان مشا را لایه و مشغول انتظام امور آن صفحات بوده است و بعد از شنیدن خبر وفات امیر اطوار اعظم روسیه و جلوس اعلیحضرت امیر اطوار جدید برای ادای تعزیت و بیعت سچا پاری باسترآباد آمده خود با چند نفر از اعظم بقونسو لکری رفته ادای مراسم تعزیت و بیعت نموده مرخص گردیده است

دیگر نوشته اند که درین اوقات بعد از نجات لفظ ضاله بوقت ترک کان بزم تاخت و تاراجیت در روانه استرآباد آمده بودند اهل انجا جمعیت نموده و با سوره مرزوره جنگ در پیوسته یک اسب از آنها گرفته و آنها سکت فاحش داده و ترککانان محذولاً مراجعت کرده بودند

در سیم چنین بقدر صد سوار از ظایفه مرزور که موسوم بجغفسر با و آنا بای میباشند بزم تاخت و تازان صفحات آمده بودند و جل سوار از آنها بقریه فوجرو رفته بودند غلامان ابو اجمعی عالیجاه محمد علیخان خبر داده شده مر راه بر آنها گرفت سه نفر از آنها را مقتول نموده که یکی را برود و ترککان انداخته و دو نفر دیگر را هم کرده بودند و سه اسب هم از آنها بدست آورده مابقی راه هرمت پیش گرفته بودند و آن دو سر را که خبر

۱۴۰۹

مقرّب انخافان بیکدیگر بیکی آورده بودند معلوم شده بود که یکی سرعابد سردار و دیگری سرجعفر مای بوده که از اسرار مشهور طایفه مزبور و دایم الاوقات مشغول تاخت و تاز و بردن اسیر بوده اند

خراسان

از نیولایت بعد از اخباری که در روزنامه های سابقین شد دیگر خبری تازه نرسیده است مگر اینکه امر انولایت از اتهام مقرّب انخافان و زیر نظام محال انتظام را دارد و در غیاب نواب مستطاب شاهزاده انختم و الاستار فرمانفرما سجزنی و کلی امور انولایت عجز رسی تمام دارد و بعد از این ضغفا و فقر رسیدگی کرده در رفاه حال رعایا اهتمام کامل دارد و مالی انولایت مرفه الحال و آسوده خاطر بدعا کونی این دولت قوی است علت اشتغال دارند و نواب شاهزاده فرمانفرما با واسعه ادکامل در سمت مرودان صحفیات مشغول انتظام امر است و د بوده اند خبری مجدد از اردوی نواب معزی البیه نرسیده است که در روزنامه

اخبار دول خارجه

چون روزنامه های که از دول خارجه درین اوقات میرسد اغلب که از پیش احوال حاضره باین دول انگلیس و فرانسه و عثمانی باد دولت روس است و امشای این دولت علیه مذکره این کدایشات را بکلیت محال یکاخی با دول متحابه عمو مانع نموده اند که در روزنامه نوشته شود لهند چند مخته است که از دول خارجه چیزی نوشته نمی شود درین مفته بعضی اخبار که

بجنگ باین دل نوشت نوشته شود از تهرار یک در روزنامه جریده اسخاوت اسلامبول نوشته درین اوقات سخته احوال حاضره فرنگستان در وینه پای تحت دولت استریه فرامجلس مکالمه گذاشته اند

از هر یک از دول فرنگستان و کیلی در آن مجلس حضور بهم رساند بمقتضای وقت اجلاس مشورت و گفتگو فراری بگذراند و از جانب دولت علیه عثمانی عالی پاشا ناظر امور خارجه مجلس مزبور مامور گردیده و بجای رالیه صفوت افندی مستشار امور خارجه معین شده است

دیگر نوشته اند که بسبب زلزله که چندی قبل ازین در برده اتفاق افتاده خرابی بجات و پریشانی بجال مالی انجا روی داده بود از دولت علیه عثمانی از راه جهان بفقرا و ضغفای انولایت مقرر شده است که تخواهی روانه نمایند از جانب و کلا و اولیای آن دولت هم بر یک فر احوال و جی ارسال داشته اند

دیگر از فرار یک نوشته اند اعلیحضرت امپراطور فرانس در دی ماه جمادی الثانی از پای تحت پاریس بشهر بولون که قشون فرانس در آنجا اردو دارند رفته بودند و در آنجا وکیل امور خارجه انگلیس خدمت امپراطور فرانس بوده و امپراطور بعد از امشای اردوی مزبور مکالمات لازم با وکیل امور خارجه انگلیس بکلفور رفته و از آنجا در پانزدهم ماه مزبور پای تحت پاریس مرخصت کرده است

۱۴۱۰

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه ششم شعبان المعظم مطابق بیست و شش تیر ۱۲۷۱

نزدت ویت ویت و چهار
قیمت روزنامه
یک نسخه ده هر کیس
ه تومان و چهار برابر



منطقه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
یک سطر از چهار سطر یکمزد است
بیشتر باشد به سطر پنج برابر

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

درین چند روز که سرکار اقدس بایون شاهنشاهی در قیام
شریف داشتند نظر بصفا و خرمی صفحیات شیران اغلب
نزدت گشت و تفریح آن صاحب میسر نمودند از جمله روزهای
بچه صفا و نوست باغ و عمارت و امتیاز تمام او دیده
خوبی آب و هوا و طراوت بساین آنجا که شیون با انواع باغین
و مطبوع خاطر اقدس بایون بود و تشریف بانجا برده بجماعت
بر وجود مبارک بسیار خوش گذشته ملاحظه کردیدند و بعد از
صرف عصرانه و چای بقصر مراجعت فرمودند و در روز شنبه
بیت یکم ماه شعبان نیز ملاحظه ظهور رحمت طوکانه در باره امیرالام
مقرب انخاقان میرزا محمد خان سرکشکی باشی شریف فرمای
در بند گردیده لوازم پیشکش و قربانی و پای اندازار جانب
مقرب انخاقان مشارالیه تقدیم شد و اتهامات او در تهنیه
ضیافت محسن و مطبوع خاطر اقدس بایون افتاده مورد رحمت
و التفات طوکانه گردید

بجبهه داد و ستد و معاهده حکام ممالک محروسه نوشته
شده بعضی خاکپای بایون میرسید و بجهت جمیع حکام فرستاده
می شد نظر بر اینکه انجام این کار خالی از زحمت و مشقت نبود
در سنوآه سابق قدری بطول می انجامید درین سال فرخنده
توشقان نیل از جناب سنی بجواب اعلیحضرت اقدس بایون
شاهنشاهی و جناب امجد اشرف ارفع صد اعظم رسیدگی
انجام این خدمت را و اگر بحسن کفایت و مراقبت جناب نظام الملکان
فرمودند جناب معظم الیه آنی و دقیقه آسودگی بر خود قرار نداده
اوقات شبانه روز خود را مصروف انجام این خدمت نمود
و بر یک از ستوفیان گرام دستور العزل و لایات مرجوعه بخود
نوشته بنظر جناب معظم الیه رسانیدند بعد از تحقیق و رسیدگی کفایت
لذاتی و رجوع و خرج با سنوآه سابقه بهم رسانده تفاوت عمل
با دستور العلهای تمام شده جمیع ممالک محروسه باستیفاء
در یکروز در قصر قاجار بنظر جناب اشرف امجد رسانیدند بعد از
ملاحظه و تصحیح ایشان بخاکپای بایون سرکار اعلیحضرت شاهنشاهی
برده معروض داشتند مراتب خدمتگذاری جناب معظم الیه

۱۲۱۱

زیاده از حد در خاکپای هایون محل قبول و استخوان یافت
 چند ساعت تنفس نفیس مبارک رسیدگی بکتا بجهای دستور
 ولایات و تشخیص بقایا نموده کمال حرمت و التفات را در
 خدمات مسطور نسبت بنظام الملک شفا فرمودند و باقتضا
 ظهور هم بیکرانه و اشفاق خسروانه حسن مراقباتی که از
 جناب معظم الیه بطور رسیده بود از راه و فور حرمت بدست
 مبارک سرافراز گردید و یکمرتبه شریه مرورید مرصع آویزه
 ز مردم که از جمله علامات التفات بزرگ این دولت علیّه است
 در حق جناب معظم الیه حرمت و ازین نوع التفات مفاخر
 کلی بجهت جناب معظم الیه حاصل شد

نظام که در بالای باغ نکارستان مشق حرکت و شلیک
 میکردند تشریف فرما گردیده تماشای مشق و حرکات
 آنها را فرمودند و بعد از آن بلاخط مشق توپچیان که تیراندازی
 میکردند توجه فرمودند صاحب منصبان نظامی و معلمین و معتمنین
 مورد تحین و التفات ملوکانه شده بعد از آن بجهت تسخیر
 بیابان نظامیه که متعلق بجناب شرف امجد ارفع انجم صدر اعظم
 و تازمه ساخته شده است تشریف فرما شدند و جانطور سوار
 کردند و تاشا فرمودند و از دروازه شمیران داخل شهر
 گردیده از میدان جدید بزرگ مبارک سلطانی و ممر سلطنت
 شرف ورود از زانی داشتند

چون حسن خدمتگذاری و صداقت و ارادت و دولتمداری
 مقرب انخاقان میرزا فتح الله شکر نویسن باشی در معالی
 و امورات قشون در نظر اول ملوکا خیلوه کرده درین
 مورد رعایت و التفات خاطر اقدس هایون گردید و کیست
 کلجه لالی از طبوس بدن مبارک بر رسم خلعت با و حرمت
 و مبلغ بکهار تومان رسم بر موجب سابق مقرب انخاقان
 افزودند که مایه دلگرمی او شود و پیش از پیش در مراسم
 و خدمتگذاری جا بدو سعی کرد و برای مزید امید واری و
 امورات و خدمات مجتوب مقرب انخاقان مشارالیه دستخط
 مبارک بنی بر التفات و حرمت صادر گردید که سبب
 مفاخرت و مبایات او گردید و حسن خدمتگذاری و صداقت او
 بیفزاید

از ۲۰ اسفند تو عثمان نیل و ما بعد با بقرار بکه در غمره ۲۱۱
 روزنامهها نوشته شد خلعتی عیدی را انسانی دولت قاپ
 حسب الاشارة العلیه موقوف فرمودند ولی بجهت حکام
 امور دیوانی مالک محروسه فرستادن خلعت شایسته
 و لیل برقرار بودن و امارت استقلال آنجاست لهذا درین
 اوقات حسب الامر اقدس هایون بجهت هر یک از حکام
 و صاحب اختیاران ولایات و اشخاصیکه در مالک محروسه
 مصدر خدمات دیوانی هستند خلعت مهر طلعت از دربار هایون
 حرمت و ارسال گردید که سبب مزید امید واری و استقلال
 آنها در انجام خدمات مرجوعه بخود بوده بد دلگرمی مشغول
 باشند

نظر با عدال هوای دارمخلوقه الباهره و بجهت سایش و استراحت
 خانه نوکرباب و اجتماع ایشان در مساجد و معا بدو اشتغال
 طاعت و عبادت و وظایف عا کونی درین ماه مبارک رمضان
 سرکار اقدس هایون شایسته عزم تشریف بردن میلاد

اعلیحضرت قوی شوکت شایسته که در قصر قاجار تشریف
 داشتند در روز یکشنبه شب ششم شهر شعبان غنیمت دارمخلوقه
 مبارک فرموده از قصر که سوار شدند اول بمیان افواج قاهره

۱۴۱۲

نفرمودند بشا، الله تعالی با کمال خوبی و خوشی ایام صیام را
 در در آنکجا و تشریف خواهند داشت چون بعبادت و سباق
 سایر ایام در ماه مبارک رمضان اجتماع در درب خانه و
 اشتغال بخدمت دیوانی باعث رحمت و شفقت است لهذا
 حسب الامر قدس همیون فراری جهت آمدن در درب خانه و
 شدن بخدمت مقرر گردیده در روزنامه این مذهب نوشته
 و رسماً اعلان و اجبار میگردد که احدی از فرار مقرر نباشد
 متخلف و رذائل نظام از توپچی و سرباز و سواره و غیره
 که هر روزه در میدان آرک و میدان خارج شهر مشغول
 درین ماه مبارک از غزوه الی سلاح از مشق نمودن مرخص
 هستند که قراولهای قراول خانها و غیره بقرار نوبت معین
 سر خدمت بوده و سایر با سرحت و عبادت مشغول
 متعلمین و متعلمین مدرسه دارالفنون نیز از غزوه الی سلاح آزاد
 مرخص میباشند لکن از متعلمین آنجا که طالب ترقی هستند البته
 بیکار نخواهند بود از مباحث و مطالب درس خودشان
 و مطالعه کرده اگر بتوانند در مسئله وقت تحقیق کرده شرحی
 نوشته باشند که مقبول محکم و غیره باشد در روزنامه خواهند
 نوشت که سبب شهرت و اعتبار آنها گردد و سایر لوکر با
 از مستوفیان عظام و انامی و یوانخانه مبارک و مستوفیان
 و قلمبان سلام و غیره هم بیاید و ساعت بفرز و باقی باشد
 در روز بخانه مبارک که سلطان حاضر باشند و افطار را در خدمت
 جناب جلالت مآب اشرف امجد اکرم صدر عظم خواهند بود
 اشخاصیکه باید سلام خاکپای مبارک شرفیاب شوند تا ساعت
 چهار از شب گذشته را خواهند بود و بعد از آن اذن مرخصی
 داشت و اشخاصی را که جناب معزی الیه کار داشته باشند

تا دو ساعت بصبح مانده در آرک سلطانی خدمت جناب
 معزی الیه خواهند بود و بعد از آن هر کس برای سحر بخانههای خود
 خواهند رفت
امورات قشونی
 نظر بر ایتب خدمتگذاری و جهان شاری مقرب الخاقان عبدالرحمن
 میرنجه که در فتح و تسخیر بند عباسی ظهور رسیده بود درین اوقات
 بصدور فرمان اتقات مباحی شده از جانب منی اجواب ملوکات
 یک قطعه نشان میرنجهکی از مرتبه اول و یک رشته جامبل و یکبوش
 جیه ترمه کشمیری رحمت و بجهت مقرب الخاقان شارالیه ارسال
 گردید و بجهت سایر چاکران هم که در بندر نور مصدر خدمت داشته
 خدمت طلبت ایون حمت و ارسال خواهد شد
 چون افواجی که حاضر در کاب مبارک بودند شب در روز مشغول قراول
 مشق بوده و زحمت زیاد میکشیدند سگارا خدمت ایون شایسته
 از باب مشال توفیقان میل با اینکه وقت موجب آنها نبوده حمت
 فرمودند شکر زبان عظام افواج را بعضی در میدان آرک بعضی
 در سردار خانها حاضر نمودند و مساعده مرحمتی را تقریر فرمایان
 قمت کردند
 چون افواج مفضلند تنها بود در کاب مبارک مشغول خدمت بودند
 فوج مالولی جمعی عالیجاه فوج ششم قراکوز لوجبی فوج مجمران قراکوز لوجبی
 تیمورپاشا خان سپه عالیجاه لطفعلی خان سپه عالیجاه احمد خان سرنگ
 و زمان خدمت آنها بسر آمده بود علی بن احب الامر از کاب مستطاب
 دادن مرخص خواهند شد
 چون در اول سال با رس میل جمعی شدن موجب افواج قشون موریر لایات پرو لایات
 جانب ایالت دولت طلبه مور بود که موجب آنها را تقریر رساند در این اوقات تا موریر
 و بعون و قزوین و صفهان موجب نوکر آنها را پرورد ختم بدو ایون مرعبت کردند

ن

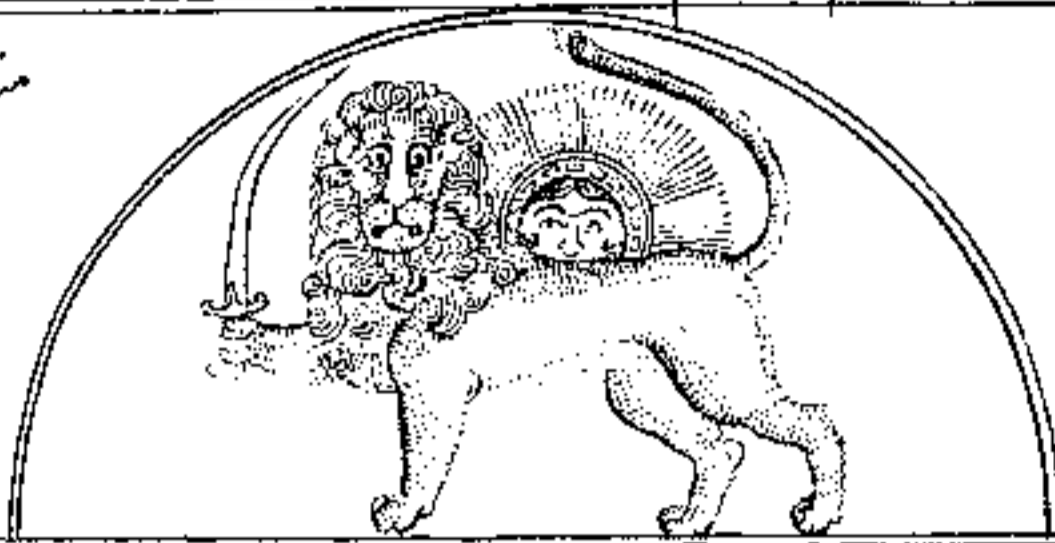
۱۴۱۳

۱۱۱۱	دو هزار و صد دینار	چهار من	کوک	اجناس مالکولات دار الخلافت محمد اینکه درستان بارندگی کامل شد
۱۱۱۲	سه هزار و پانزده شاهی	چهار من	خرما	بود ترقی داشت مردم در توش بودند بخصوص کدم وجود کاه
۱۱۱۳	دو ریال	چهار من	شش	تیر بهم رسانده بود تا درین بهار که از میان الطاف خداوند
۱۱۱۴	شش عباسی	یک من	گوشت	و برکت قدم بهمت لزوم و نیت پاک و فطرت تا بناک سرکاه
۱۱۱۵	دو هزار و پنجاه شاهی	یک من	شمع	افس بیایون شایه شاهی که هر وقت به سمت حرکت فرمودند
۱۱۱۶	شش عباسی	چهار من	سبزه	ترول حمت الهی بود بارندگیهای کل متوالی در دار الخلافت و اطراف
۱۱۱۷	سه هزار و پانزده شاهی	چهار من	پیر شور	و بلوکات شد بطوریکه زیاد تر از حد امید واری خلق باران
۱۱۱۸	دو هزار و پنجاه شاهی	چهار من	برنج غنچه	اگر چه بعضی بنا تا که از خشت و گل بود از کثرت بارندگی فی الجمله
۱۱۱۹	دو هزار و پنجاه شاهی	چهار من	برنج کرده	روی و ادوی بیجه حاصل در زراعات که مقصود منظور عموم خلق بود
۱۱۲۰	یک هزار و هفتاد دینار	یک من	روغن خجراغ	فوائد کثیره حاصل شد و بجهت اندرون و بر وقت اجناس و بیرون
۱۱۲۱	یک من	یک من	قدرسی	دارد و از هر کویه خنس و نور بهم رسانده و از زراعت خواهد شد و نزد
۱۱۲۲	شش هزار	یک من	قدر بزدی	از این معنی زیاد و مشغوف و امیدوار و بشکرانه و دعا کونی ذات
۱۱۲۳	سه هزار و پنجاه	یک من	شکر	افس بیایون اقدام دارند و تیر اجناس دار الخلافت و درین
۱۱۲۴	چهار هزار و پانصد	یک من	بنات	بقرایت که درین صفحه مسطور میگردد
۱۱۲۵	شش هزار	یک من	فلفل	کدم یکجور سه تومان و پنجاه
۱۱۲۶	دو هزار و پنجاه	یک من	زیره	نان یکجور سه تومان و پنجاه
۱۱۲۷	دو هزار	یک من	رز شکسته	جو یکجور دو تومان و چهار
۱۱۲۸	چهار هزار	یک من	رز شکسته بزرگ	لوبیا یکجور سه تومان
۱۱۲۹	دو هزار	یک من	زره چوب	عدس یکجور سه تومان
۱۱۳۰	دو هزار و پنجاه	یک من	لبوی عثانی	ماش یکجور دو تومان و پنجاه
۱۱۳۱	سه تومان	یک من	زعفران	شودری یکجور سه تومان و پنجاه
۱۱۳۲	چهار هزار و پنجاه	چهار من	تنباکوی اعلی	گرچک یکجور پنج تومان و دو هزار و پانصد
۱۱۳۳	پانزده هزار	چهار من	تنباکوی وسط	روغن چهار من دو هزار
۱۱۳۴	دو هزار و پنجاه شاهی	یک من	البلیبو	شیره چهار من سه هزار و پنجاه
۱۱۳۵	هفتاد دینار	یک من	ابغوره	پیه که اخته چهار من هشت هزار

۱۲۱۲

روزنامه وقایع اتفاقیه پنج شنبه هجدهم ماه رمضان المبارک مطابق سال شقان سنه ۱۲۷۱

روز شنبه و پنج
قیمت روزنامه
یک نسخه شاهی
هفت و چهار دینار



منطبعه دارالخلافه طهران
قیمت اعلانات
بکسر الاجاره مطبعه
بیشتر با هر خط

اخبار واحده ممالک محروسه پادشاهی

دارالخلافه طهران

در روز پنجشنبه ساج شهر شعبان اعلیحضرت شاهی بیدان
مشق خارج در وزارت دولت بجهت تماشای مشق مهندسی که
خیاره منبسی ساخته و آتش میدادند تشریف فرما گردیدند
تفصیل آن از این قرار است که عالیجاه موسیو بهلیر که معلم
هندسه است و فوج مهندسی را تعلیم میدهند چهار روز
ساخته بطوریکه بر روی زمین بار و طبع در سب و پتخوار
سنگ را از روی صندوقی که بار و طبع در آن گذاشته آتش
میدهند تا دولت سبب ذریع بهوا برده از آنجا سنگها
بشوند و تا شد قدم زمین را میگرداند بطوریکه در وقت
افتادن زمین را گوئی میکنند در روز مزبور که اعلیحضرت شاهی
تماشای آتش دادن چهارماری مشورت تشریف بردند و جناب
امجد شرف انجمن صدر اعظم هم در خدمت اقدس حاضر
بودند چهار عدد از آن چهارماری که ساخته شده بود آتش
زدند و در نظر مبارک بسیار مقبول و تحسین افتاده بهم
بهلیر صاحب مسمی کردن ان مشارالیه که چهارماری را ساخته
بودند انعام شایسته محبت فرموده مورد تحسین و الثافت

لوگانه کردیدند و مقرر شد که اسباب این چهارماری
رئیس را زیاده ساخته در فور خانه مبارک که حاضر و آن
داشته باشند
در شب شنبه و ویم ماه رمضان المبارک مجدداً بارند
زیاد و در دارالخلافه طهران و اطراف شد چنانکه شب مزبور
تا نزدیک سحر لایق قطع باران آمد بعد از آن تا صبح و آن
ولی هوا بهمانطور آبر داشت و مستعد بارندگی بود تا نزدیک
ظهر بار شروع بارندگی کرد و بارش شدت آمد بطوریکه
از کوچهها و نهرها جاری شد و گاهی چند دقیقه چنان شدت
میکرد که اگر یک ساعت آن شدت میبارید بهیم سیلاب
خرابی تصور بود و بخجل در بعضی کوچهها بجات جایهای
کجا پیش خرابی هم سیده باشد با یکدیگر امروز و شب دیگر
الی طلوع فجر شب یکشنبه و شب دیگر و باران کامل آمد
پس از آن هوا صاف شد و زمینها سبز و خرم و در کمال
خوبی و اعتدال را دارد بخلاف سالهای دیگر که درین موسم بیلافا
مطلوب بود آن بحال بطوری بودی دارالخلافه خوش میکند که مردم طالب
بیلافاست شایسته انوار الدین رحمتی الهی مسافع کلی حاصل خواهد

۱۴۱۵

وضری نخواهد رسید و پس ازین بارندگی غله بسیار از
 خارج بشهر آوردند و از اتهامات ادبای دولت علت
 کندی و جو نمان تنزل کرده نان بسیار خوب از قراکین
 سید وینار فروخته میشود و فراوان است و کندی
 بسیار اعلی خرواری سه تومان و جو خرواری هجده هزار و
 نوزده هزار فروخته میشود و از قراکین مذکور میگردانند
 هم هر روزه غله فراوان می آورند و مردم از این معنی کمال سود
 و شکر گذاری دارند خصوصاً فقرا و مردمان بی بضاعت
 که تشویش کرانی بسیار داشته سجد الله این اوقات
 که همه چیزه فورا بسرسانده مایه امیدواری و شکر گذاری
 این اشخاص گردید

سایر ولایات
 اصفهان از قراکین در روزنامه این ولایت نوشته
 در غزه ماه رمضان المبارک یک ساعت از غروب گذشته
 زلزله شده و سه دفعه متعاقب هم زمین حرکت کرد و
 سجد الله حسرتی بجائی و اذیت کبکی ترسید است
 دیگر از قراکین نوشته اند در بعضی بلوکات اصفهان سن
 بروز کرده است ولی چون حال وقت در و منسکام
 محصول است از قراکین نوشته اند معلوم نیست که سن
 بتواند اذیتی بجای برساند مگر در باب کندی که هنوز
 سبب است فی الجمله تشویش داشته اند که مبادا سن

چون عالیجاه مقرب الحضرة العلیت میرزا رحیم شیخ مت
 محصل کل محاسبات در اتکام دستور العمل ولایات و
 امر محاسبات در خدمت جناب نظام الملک کمال و چند
 بعل آورده بود مراتب صداقت و حسن منسکداری او
 خاطر اقدس همایون و ملحوظ اولیای دولت علیه گردیده
 این اوقات از جانب سنی اجانب بلوکا زیکوب جنبه
 از صند و قحانه خاص بسم خلعت و یکقطه نشان از مرتبه
 اول منسکی با یک رشته جابل در وجه عالیجاه پشالیه
 مرحمت فرمودند و جناب جلالت مآب شرف مجد ارفع صد
 چون از خدمات حسن اتهامات عالیجاه پشالیه زیاد
 رضامندی داشتند یک طاقه شال اعلی از خود علاوه بر خلعت
 و نشان حمیتی سرکار اقدس همایون بجایگاه پشالیه
 نمودند که سبب مزید دلگرمی و اتمام آورد خدمات مرجع

دیگر نوشته اند که عالیجاه چراغعلینجان نایب الحکومه اصفهان
 چند روز بوده است که باده پانزده سوار به بلوکات
 بود و بجهت نظم و نسق آنجا اتهامات نموده و کار تمام بلوکا
 انتظام داده در این اوقات بشهر مراجعت کرده است و
 همچنین امورات شهر اصفهان نیز همه جهت نظم و رعایا
 در کمال آسودگی میباشد و از اینکه عالیجاه نایب الحکومه
 خودش همه روزه بعبایض مردم رسیدگی می کند کسی
 بکسی نمیتواند خلاف حساب رفتار نماید و عالیجاه پشالیه
 بخل میرابی برقرار شده و هر کس مشغول انجام خدمات
 محوله بخود میباشد
 کرمان
 از قراکین از کرمان نوشته بودند درین اوقات طرق و
 شوارع ولایات کمال انتظام و امنیت دارد و اهل و سرودن

۱۴۱۶

در نهایت اطمینان خاطر عبور و مرور نمایند و از اینها
امیر الامرا العظام محمد حسن خان سردار حکمران یزد و کرمان
قراول و مستحق در هر یک از منازل راهها و دهنه جا
که سابقا محوز و محل نشویش قطاع الطریق بلوچیه و غیره
مشغول حفظ و حراست میباشند و قافله با سودگی از نظر

در کار خود برقرار باشد
دیگر از قراریکه در روزنامه اشخا نوشته بود که عالیجاه
سردار امیر الامرا العظام سردار امور خدمت بلوکا
اربعدهم کرده و در حین و ششم شهر شعبان عالیجاه
قرار بود و این مقصد کرده و بکل ماموریت برود

و شوارع عبور نمایند
از قراریکه در روزنامه اتولایت نوشته بود که کل محکم
که از اشرا و مشهورین بلوچیه است قلعه ایرند جان را محکم
نموده و محصولات آنجا مقرر کرده و سر از اطاعت و
خدمتگذاری این دولت قوی بکنت علییه باز زده بود عالیجاه
نضرالدخان یاور سپر عالیجاه میرزا کوچک خان شکر

دیگر نوشته اند که عالیجاه رستم خان سردار جنگ با قوچ
خود همه روزه در میدان باغ ارک مشغول شت میباشند
و یا نهایت نظام و حسن سلوک راه میروند و مردم کمال
رضامندی از رفتار و سلوک آنها دارند
دیگر از قراریکه تغییر اجناس کرمان را نوشته اند درین
اوقات از این قرار است

جمعیتی از قشون مانور که امیر الامرا العظام سردار
بجهت نظم صفحات بلوچستان فرستاده بود برداشته
و بر قلعه منوره رستم مشهورین نیز از در مقابل و مجاد
در آمده قشون مانوره در اندک مدت بفر و غلبه قلعه
تغیر و چهار روز نفس از اشرا و اشجار مقبول نمودند و
عالیجاه نضرالدخان درین جنگ کمال رشادت و
و تهور را بکل آورده بود

کندم یکجور سه تومان
یکجور دو تومان و دو هزار
یکجور شش هزار
گوشت یک من هشتصد و پنجاه
برنج چمپا یک من هزار و بیست
برنج رسی یک من چهار عباسی
روغن یک من دوریال

دیگر نوشته اند که عالیجاه میرزا شفیق وزیر حرب الحکم امیر
سردار همه روزه با مستوفیان آنجا در دفتر ششم حساب
داد و ستد ضابط و مباشرین بلوکات رسیدگی
مینماید و مقررات که هر یک از ضابط و مباشرین که خوب
خدمت کرده و از عهد حساب برآمده و اهل آن بلوک
اورا منی باشند در بده استن تو سفان منیل نیز بخانی

یک من چهار هزار
یک من دو هزار
یک من چهار هزار
یک من چهار هزار
قدیروی یک من پنجاه و پانصد

۱۴۱۷